رنجبر

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران
دوره سوم

شهریور ۱۳۹۶ - شماره ۱۶۰
سال ۳۹

نامه‌ای از ایران.....صفحه۵
اوضاع خوبست.....صفحه۶
جواب قلدرگری امپریالیستها درهم شکستن:
حاکمیت قانون جنگل آنها درجهان است!.....صفحه۸
دفاع از حقوق پایمال‌شده کودکان در ایران.....صفحه۹
به‌یادشاهرخ زمانی.....صفحه۱۰
مافیاگری ماهیت سرمایه‌داری است!.....صفحه۱۷
در مورد ظهور انحصار های
کشورهای استعمارنوین-(قسمت‌سوم).....صفحه۱۷
اقتصاد جهانی و جنگ اقتصادی.....صفحه۱۷

در جست و جوی پایاندهی به فساد نظام سرمایه داری

این روزها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی درست همانند زمانی که انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در حد "رژیم سلطنتی باید برود" مُد روز شد و از تغییرشکل حکومتی، بدون تغییر ماهیت آن صحبت به میان می آید که تغییری بنیادی و انقلابی نیست. در رژیم سلطنتی، نظام سرمایه داری حکم می راند و در جمهوری اسلامی نیز تغییر شکل نظام سرمایه داری صورت گرفت. با این تفاوت که تمرکز سرمایه ها هم اکنون دردست عده معدودتری افزایش یافته و حاکمیت "هزار فامیل" دوران سلطنتی به " ۵۰۰ نفری یا ۲۰۰ خانوار" کنونی جمهوری اسلامی ارتقاء یافته و فقر و مسکنت و اعمال ستم گری و تبعیض با حدت و شدت بیشتری ادامه یافته است.

در شرایطی که تلاطم رانت خواری در تعیین بهای ارز خارجی معرف حاکمیت سرمایه داران کمپرادور است به حدی رسیده که ازجمله قیمت هردلار آمریکا تعیین شده رسمی توسط دولت از ۴۲۰۰ تومان درمدت کوتاه ۲ تا ۳ ماه با

بقیه در صفحه دوم

ادامه اعتراضات در ایران

اعتراضاتی که با درس گیری از جنبش دیماه همچنان در روزهای اخیر در سطح وسیع تری به رشد خود ادامه داده و اقشار وسیع تری را به خود جلب کرده است . سالها سرکوب خواسته های اولیه و بحق توده های ستمدیده و استثمار شده، شکنجه و اعدام و زندانی های پر شده و مجموعه وسیعی از سیاست های ارتجاعی و بشدت حقارت آمیز علیه طبقات و اقشار پائین جامعه در طی نزدیک به ٤ دهه حکومت سرمایه داری اسلامی ، جان مردم را به لب شان رسانده است.نه تنها رژیم اسلامی بلکه هر حکومت ضد مردمی بالاخره روزی جوابگوی اعمالش خواهد بود.به قول معروف می گویند دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. آیا هزاران نفر از خانواده های اعدام شده گان سیاسی و غیر سیاسی می بخشند و فراموش می کنند.هزاران و میلیونها زن تحقیر شده و کتک خورده از بی حجابی و نداشتن حقی نسبت به فرزندانشان ، روشنفکران سانسور شده ، سینماگرانی که فیلم هایشان در وزارت ارشاد سالهاست خاک می خورد و نویسندگانی که کتاب های با ارزش شان به خمیر های کاغذ تبدیل شدند و سالها تولیدات فرهنگی شان به یغما رفته است ،خانواده هایی که زنان و دختران شان را برای تن فروش به کشورهای خارجی برده اند و یا در موسسات صیغه اسلامی به کار واداشتند ،حتی صاحبان سرمایه های کوچک را که آقازاده ها به مثابه تجار و دلال ها به ورشکستگی کشیدند. دانشجویانی که کتک خوردند ،اخراج شدند و ستاره دار شدند، کودکانی که از شدت فقر به دستفروشی و خیابان گردی روی آوردند و هیچ کسی و یا ارگان و نهادی نیست که دست آنها را بگیرد الا مردم ،مالباختگانی که زندگیشان را نوکیسه های رژیم اسلامی و آ،قا زاده هایشان

بقیه در صفحه سوم

کودتای ۲۸ مرداد ۳۲

در باره ی کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بسیار گفته و نوشته شده است و هر از گاهی طبق انتخاب سیاست های تغییر یافته اسنادی منتشر می شود و نکات تازه ای بر چم وخم چگونگی آن و شرکای جرم اضافه می شود. در هزار صفحه اخیری که سیا مهندسی شده انتشار داد چنین به نظر می رسد در خدمت سیاست روز امپریالیسم آمریکاست تا واقعن افزودن نکته تازه ای به توطئه ی کودتا و براندازی حکومت دکتر محمد مصدق . نکته ای که به سیاست کنونی ترامپ خدمت می کند اینست که با اسم ورسم به خوبی نشان میدهد که چگونه هیئت حاکمه ایران از آیت الله کاشانی

بقیه در صفحه چهارم

قتل عام زندانیان سیاسی

ماههای خونین مرداد وشهریور یاد آور یکی دیگر از جنایات رژیم جمهوری اسلامی است.۳۰ سال قبل در طی مدت تابستان ۵۴۰۰ نفر از زندانیان سیاسی که بسیاری از آنان در حال اتمام مدت محکومیت شان بودند اعدام شدند. جنایتی فجیع که تا مدتی حتی رژیم از ترس جرئت انتشار خبرش را نداشت. ابعاد جنایت آنچنان هولناک بود که رژیم با عجله پیکر زندانیان اعدام شده را در گورهای دسته جمعی دفن کرد تا آثار آنرا بپوشاند.اما تاریخ نشان داده است که رژیم های جنایتکار را راه فراری از دست توده ها نیست اگر چه آنها موقتا بتوانند برسر حاکمیت باقی بمانند.اما آنها نمی توانند از مکافات جنایاتی که مرتکب شده اند بگریزند. امروز خشم توده های مردم در برابر این جنایت سازمان یافته خود را با مشت های جوانان ما در کف خیابان ها با شعار مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی یافته است.

بقیه در صفحه پنجم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

در جستجوی پایاندهی...
بقیه از صفحه اول

خرید میلیاردها دلار ارزان این سرمایه داران رانت خوار به این قیمت، بخشی به بهانه ی وارد کننده گان کالا ازخارج، از بانک مرکزی، بدون این که کالا های مورد نیاز وارد کنند، ارز خارجی درابعاد میلیاردی به دست آوردند و در بازار داخلی با فروش ازجمله دلار آمریکائی تا کنون به - ۳ برابر قیمت رسمی - به ۱۲۰۰۰ تومان، رانت خواری سهل خرید و فروش ارز به تومان درداخل را به معرض نمایش گذاشتند. و یا با انجام وارداتی بعضا تجملی، با گران فروشی کالاهای وارد شده ای را سازمان داده اند که کمتر تاجر نزول خواری را در جهان گذشته می توان یافت تا این حد به پول پارو کردن آسان در چند ماه دست یافته باشد. آشوبی که در تحمیل فقر و دزدی با چاپیدن مردم و مشخصا کارگران و زحمت کشان از طریق گران فروشی کالاها و ارزان خریدن نیروی کار، ماهیت فاسد نظام حاکم در ایران را با روشنی خاصی باردیگر نشان داد. با بازکردن بخشی از پرده ی استتار افشاگرانه ی گردانندگان این نظام توسط خادمی نماینده ی مجلس اسلامی(البته به جز مستثنا نشان دادن خامنه ای "ولی فقیه"!!) ، و راغفر کارشناس اقتصاد (که پیش بردن رفرم را درحل معضلات کنونی راه حل می داند!)، را بالا زده و به طور فشرده ماهیت این تلاطم را با گفتن این که پس از ۴۰ سال حاکمیت سرمایه داری زیر نظام جمهوری اسلامی تغییرهیئت "هزار فامیل دوران نظام سلطنتی" به "۲۰۰ خانواده توسط هدایت الله خادمی یا ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفرتغییر نیافته توسط حسین راغفر" چهره ی اصلی نظام حاکم برایران را بیان داشته اند". این واقعیت ازیک سو نشان دهنده ی حاکمان فاسد رانت خوارسرمایه دار قاچاقچی است، اما ازسوی دیگر به طور روشنی ماهیت نظام سرمایه داری را تحلیل نکرده اند که چیزی جز هدایت کننده گان اقتصاد تولیدی مونتاژی متکی بر استثمار و ستم و زائده ای دروابسته گی به نظام امپریالیستی نمی باشد، مشخص ننموده اند. باوجود این، تضادهای متفاوتی درایران از یک سوتشدید فقر و بیکاری ورساندن حداقل مزد به ۶ میلیون تومان، اعتراضات مجدد توده های چپاول شده در شهرها به کل نظام حاکم شروع شده، و از سوی دیگرفشار جناح اصول گرا به جناح محافظه کار دولت حسن روحانی جهت قبضه کردن یا برکناری دولت افزایش یافته و در عین حال مقابله با تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا را می خواهند تحت نظر خود درآورند. کشمکشهای آلترناتیو ساز درحال زورآزمائی با یکدیگر هستند.

نماینده مجلس: ۲۰۰ خانواده سرنوشت ایران را به گروگان گرفته‌اند

به گفته هدایت الله خادمی نماینده مجلس شورای اسلامی، برخی ایرانیان برای تأمین زندگی‌شان اعضای بدن خود را می‌فروشند. وی با اشاره به استیصال مردم در برابر فقر افزود، ۴۰ سال است که ۲۰۰ خانواده سرنوشت کشور را به گروگان گرفته‌اند.

روز یکشنبه (۷ مرداد/ ۲۹ ژوئیه) در نطق میان‌دستور جلسه علنی پارلمان ایران با انتقاد شدید از اوضاع وخیم اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم، از جمله گفت: «بی‌لیاقتی، ناکارآمدی و سستی دولت‌ها در این سال‌ها مانند رنج‌نامه‌ای است که هر روز بر مشکلات مردم افزوده است...

خادمی با اشاره به اینکه "کشور دچار اختلاس و فساد شده"، پرسیده است: «چرا فساد اقتصادی مانند موریانه به تار و پود این کشور و مسئولین زده است، پذیرفته‌ایم که کشوری فاسد و ناکارآمد هستیم.»

"مردم را بدبخت کرده‌اید"

این نماینده ایذه و باغ‌ملک در مجلس با حمله تند به سیاست‌های اقتصادی و عمرانی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، مسئولان دولتی را خطاب قرار داده و افزوده است: «مردم ایران را بدبخت کرده‌اید. احترام و اعتماد به نفس آنها را گرفته‌اید. از فقر و بیچارگی نمی‌دانند چه کنند. برای تامین هزینه زندگی به فروش اعضای بدن از جمله کلیه روی آورده‌اند. با کشوری که یک درصد جمعیت جهان و هشت درصد منابع جهان را دارد ببینید چه کرده‌اید»...

هدایت‌الله خادمی در بخش دیگری از اظهارات خود "اکثر دولتمردان ۳۰ سال گذشته" ایران را به "ظلم" به مردم، "خیانت" به اعتماد آنان و "نابود کردن" جوانان کشور متهم کرد و گفت که این دولتمردان "اگر ذره‌ای وجدان و غیرت داشتند، به دلیل این همه ناکارآمدی، ظلم و خیانت به جوانان، خودشان را حلق‌آویز می‌کردند."

خادمی سپس ضمن حمله به مسئولانی که به گفته او شعار "مرگ بر آمریکا سر می‌دهند"، اما فرزندان‌شان در آمریکا هستند، اتهامی سنگین را متوجه این دسته از مقام‌های جمهوری اسلامی کرد و گفت: «تاریخ گواه می‌دهد، شاید برخی دولتمردان ماموریت داشتند خلاف منافع ایران اقدام کنند».

این نماینده مجلس با انتقاد از نحوه تشکیل دولت در ایران و تبدیل شدن مجلس به "حیات خلوت دولت"، تاریخ ۴۰ ساله دولت‌ها و مجلس‌های جمهوری اسلامی را زیر سؤال برد و گفت: «با این دولت و مجالسی که ساخته‌اید، هرگز توسعه و پیشرفت را نخواهید دید».

خادمی ادامه داد: «در ۴۰ سال گذشته حدود ۲۰۰ خانواده سرنوشت این کشور را به گروگان گرفتند و از این وزارتخانه به آن وزارتخانه می‌روند»...

در چهل سال گذشته ۴۰۰ الی ۵۰۰ چهره اصلی در نظام معرفی شده اند که آنها تصمیمگیر هستند حسین راغفر در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا تاکید کرد: "در چهل سال گذشته ۴۰۰ الی ۵۰۰ چهره اصلی در نظام معرفی شده اند که آنها تصمیمگیر هستند و مردم هم به خوبی آنها را می‌شناسند و قطعا همین افراد مسئول پاسخگویی در برابر تخلف‌های اقتصادی هستند. اما ندیده‌ایم که یک نفر از این افراد به دلیل بی‌کفایتی عزل شوند. در خیلی از موارد فسادی صورت گرفته مسئولی را برکنار کرده‌اند اما پس از مدتی مسئولیت مهمتری را به وی واگذار کردند.

این کارشناس اقتصادی درباره تغییرات احتمالی در کابینه دولت گفت: تصمیم به تغییر در کابینه را می‌توان از دو جهت بررسی کرد که آیا این تغییرات به دلیل اتفاقات اخیر انجام می‌شود که باید به عامل آن پرداخت. نکته بعدی این است که عملکرد اقتصاد در سه دهه گذشته یک روند نزولی همراه با نوسان داشته است بخصوص در ۱۳ سال گذشته شاهد یک افول اقتصادی بوده‌ایم و شاخص‌های اصلی اقتصاد در این سال‌ها نزولی بودند.

وی با بیان اینکه اگر از این منظر به فضاحت‌های مالی و اقتصادی که در ماه‌های اخیر افتاده بنگریم به نظرم مسائل را باید در بستر وسیع‌تری ببینیم: با این اتفاقات رخ داده شاهد بی‌سابقه‌ترین جهش قیمت‌ها در بازار ارز بودیم که یک عده‌ای با شارلاتانیزم تلاش کردند که بگویند درصد تغییرات بالا نبوده اند. این در حالی است که اساسا موضوع درصد تغییرات قیمت نیست بلکه مقدار مطلق افزایش قیمت‌ها، افزایش بی‌سابقه داشته است...

وی با تاکید بر اینکه معتقدم این موضوع در قالب یک کودتای اقتصادی که هدف آن براندازی سیاسی است باید ارزیابی کنیم: در تصمیماتی که رخ داده یک همسویی بسیار بالایی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل قابل مشاهده است.

به دفاع از اعتراضات محقانه توده ای در ایران برخیزیم

راغفر ادامه داد: پس از افزایش قیمت ارز می‌بینیم که ۲۰ میلیارد دلار از منابع ارزی کشور به واردات کالای لوکس اختصاص داده می‌شود این در حالی است که قرار است به زودی با تحریم‌های بی‌سابقه‌ای روبرو شویم و هر دلار موجود در صندوق دولت به بالاترین ارزش خود در ۴۰ سال گذشته حیات جمهوری اسلامی رسیده است.
اعطای ۲۰ میلیارد دلار در ظرف چند روز برای خالی کردن ذخایر کشور است
وی گفت: در شرایطی که دلار تا این حد ارزش پیدا کرده اعطای ۲۰ میلیارد دلار در ظرف یک دوره چند روزه فی‌نفسه نشان دهنده اغوای تصمیم‌گیری‌ها برای خالی کردن ذخایر مملکت و بحرانی‌کردن شرایط محسوب می‌شود.
هدف از راه‌اندازی بازار ثانویه ارز براندازی نظام سیاسی است...
این اقتصاددان با بیان اینکه باید دید چه کسانی بازیگر اصلی این میدان هستند، گفت: گروهی به دنبال غارت منابع عمومی با نیت منفعت‌های شخصی، گروه‌های مافیا تشکیل داده‌اند و به صورت ناآگاهانه شرایط بحرانی ایجاد کرده‌اند اما گروه دیگر عامدانه از عناصر خارجی هستند که اهداف اسرائیل و آمریکا را در ایران دنبال می‌کنند.
برخی از بانک‌های خصوصی منشا اصلی تامین مالی قاچاق در کشور هستند...
وی تاکید کرد: اما نکته این است چرا بانک مرکزی که در جریان این اقدامات بوده سکوت کرده است بانک مرکزی می‌داند که برخی از بانک‌های خصوصی منشا اصلی تامین مالی قاچاق در کشور هستند.
راغفر با بیان اینکه ۳۰ سال است گروهی در این کشور تلاش کردند تمام سازوکارهای اقتصادی و تنظیم بازار ارز را در ایران بهم بریزند، ادامه داد: عده‌ای به اسم بانک‌های خصوصی اداره اقتصاد کشور را در اختیار گرفته‌اند و طبیعی است که در برابر دوری از سیاست‌های غلط اقتصادی مقاومت می‌کنند...
وی با بیان اینکه این اقدامات منفعت‌طلبانه خشم مردم را برمی‌انگیزد، اظهار داشت: درحالی که عده‌ای با دلار دولتی تولید ثروت کرده‌اند عده‌ای از مردم نان خود را از درون زباله‌ها پیدا می‌کنند و در حالی که عده‌ای بی‌کفایت در راس امور مدیریت می‌کنند...
وی با تاکید بر اینکه حاکمیت در این شرایط باید برای جلب اعتماد مردم یک عفو عمومی در دستور کار خود قرار دهد، گفت: امروز تنها موضوع رفع حصر برخی از چهره‌ها نیست و باید در برابر دخترانی که به خاطر دیده نشدن اعتراض می‌کنند و مجازات حبس ۲۰ ساله می‌گیرند یک عفو عمومی وجود داشته باشد."
با توجه به این اعترافات یک نماینده مجلس و یک اقتصاد دان روی سخن ما با آنهاست که هیچ راه حلی نیمه نیمه جز براندازی حاکمیت سرمایه داری و برقرار کردن نظام شورائی متکی بر حاکمیت سوسیالیستی پرولتاریائی نیست و کارنامه عمل کرد سرمایه داری در برابر همه و از جمله خود شما است که میرزاده عشقی شاعر ترور شده توسط ایادی رضا شاه در بیش از ۸۰ سال پیش سرود:
این کاخ کهن خراب می باید کرد، این شهر به خون خضاب می باید کرد، آزادی انقلاب اول گم شد باردگر انقلاب می بایدکرد.
راه رفرمیستی و انتظار برچیده شدن فساد و زورگوئی حاکمیت امروز در سراسر جهان زیر سلطه ی سرمایه‌داری، تحقق ناپذیر است.

هیئت تحریریه رنجبر
۱۱ مرداد ۱۳۹۷(۲ اوت ۲۰۱۸)

★

ادامه اعتراضات در ایران
بقیه از صفحه اول

به ویرانی کشیده اند،آیا پرستاران و معلمانی که در زیر خط فقر و با درآمدهای ناچیزی همیشه در حسرت یک زندگی انسانی بوده اند ، ایا زنانی که سالها توسط ارگان های سرکوب در خیابان ها با بهانه حجاب مورد توهین و هتک حرمت قرار گرفته اند می توانند خواستی کمتر از سرنگونی این رژیم را بخواهند ؟.تجربه عینی و تظاهرات دیماه و ادامه آن نشان داده که نه تنها جمهوری اسلامی هیچ راه مسالمت آمیزی برای مردم باقی نگذاشته است بلکه مردم سالهاست که رای به سرنگونی انقلابی آن داده اند. اما مانند هر جنبش اجتماعی رشد و گسترش آن زیر سرکوب ، تجربه اندوزی ، اتحاد و مبارزه شکل می گیرد.امروز دیگر صرفا اعتراضات موردی و محدود نیست که در کف خیابان به مصاف رژیم رفته است. فراتر از آن یک جنبش اجتماعی در عرصه های مختلف با در خواست های نسبتا مشخص صنفی و سیاسی است در حال سازماندهی است. شعارهایی همچون آخوند برو گمشو،مرگ بر دیکتاتور، حتی یک دزد کم بشه مشکل ما کم میشه ،تا دیکتاتور رو کاره قیام ادامه داره ،جمهوری اسلامی نمی خوایم نمی خوایم،ننگ ما ننگ ما رهبر الدنگ ما ؛
تعداد نیرویی که امروز در خیابان هاست بسیار گسترده تر از دیماه است به همین دلیل نیروهای سرکوبگر که زمانی در ضعف جنبش اعتراضی پرقدرت، می نمودند، اما اینبار در خشم و تندر توده ای چاقوهایشان دیگر قدرت برش و لت و پار کردن سابق را ندارد و هر عملی را عکس العملی شدیدتر از طرف جوانان جواب گرفته و پا به فرار می گذارند .زمینه های اجتماعی این اعتراضات که از دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ، تا حجاب اختیاری ، کودکان کار ، آزاد سازی محیط سیاسی ، علیه سانسور،حق تشکل یابی و....در عرصه اقتصادی فقر و سفره های خالی و نابرابری در درآمد در ابعاد صدها برابری ، عدم پرداخت حقوق ها ، گرانی سرسام آور ، عدم امکانات پشتیبانی از افراد کم درآمد، بیکاری در ابعاد میلیونی ، دزدی از بودجه های اجتماعی و مدیریت بی کفایت و دزد دولتی ؛ راندخواری ،کاهش دستمزد ها از طریق ایجاد تورم و بازی با ارزهای جهانی و خالی کردن جیب مردم از این طریق و.....نکات نمونه ای هستند از هزاران مورد دیگر که مردم از دست آنها به ستوه آمده اند.سیاست های رژیم اسلامی مشخصا کارگران و زحمتکشان را مورد حمله قرار داده و در درجه اول وضع آنها را به فلاکت کشیده است.به همین دلیل جنبش کنونی عمدتا جوانان طبقات کارگر و زحمتکش را به میدان کارزار با رژیم به خیابان ها کشیده است.
بسیاری بر همین اساس دچار ارزیابی های نادرستی از آن هستند .بسیار فکر می کنند که جنبشی که شعار سرنگونی رژیم را فریاد می کند می تواند بقیه مسائل را هم حل کند.
این ارزیابی کاملا ذهنی گرایانه و نه در خدمت بلکه علیه جنبش کنونی است به این دلیل ساده که بدون تشکیلات انقلابی و توانا برای رهبری و با اندیشه های روشن و علمی این امکان هست که حتی جنبش کنونی بساط رژیم جمهوری اسلامی را برچیند ولی بعلت عدم حضور سازمان پرقدرت با برنامه ، سیاست ،تاکتیک و استراتژی که بطور واقعی و در عرصه عملی جنبش کارگری را با زحمتکشان و دیگر جنبش های مترقی اجتماعی همچون زنان ، جوانان ،روشنفکران ، معلمان و پرستاران و دیگر اقشار تحتانی پیوند زده و نیرویی عظیمی را متمرکز کند ، این جنبش می تواند مجددا به کجراهه رفته و با به قدرت رسیدن نیروهای مرتجع که از

پشتیبانی امپریالیست ها برخوردارند مورد سرکوب و تکرار ماجرای انقلاب سال های ٥٦-٥٧ قرار بگیرد. امروز هرمعترضی که کف خیابان های رژیم را به چالش می کشد بایستی فنون مبارزه علیه پلیس سیاسی ، نحوه سازماندهی و ایده های روشن سوسیالیستی را فرا بگیرد و متشکل شود. هیچ راه دیگری که از مبارزه توده های وسیع زیر رهبری حزب کمونیست بگذرد برای آزادی ، رهائی انسان ایرانی از این نظام استثماری و عقب مانده و دزد و غارتگر،وجود ندارد . اوضاع برای سازماندهی ، اموزش و فراگیری از درس های این انقلاب بسیار مساعد است نیروی متحد و متشکل و نه پراکنده می تواند روی این اوضاع تاثیر تاریخی خود را بگذارد . به قول معروف دیر است وقت را دریابیم و متشکل و متحد شویم.فعالین کارگری و کمونیست ها باید بجای نگرانی از آینده دست به سازماندهی و آموزش بزنند تا بتوانند پیگیری و ادامه کاری این جنبش را تضمین کرده کاری نه چندان آسان آما سرنوشت ساز. مخفی کاری در این اوضاع بایستی همچنان رعایت شود این تجربه که جنبش های توده ای می تواند باعث علنی شدن تشکیلات مخفی شود را نباید فراموش کرد.در عین حال مخفی کاری بیش از حد می تواند به انفعال و سردرگمی بیانجامد. اینها بخشی از درس هایی است که انقلابیون بایستی بطور دائم مرور کرده و خود را نوسازی کنند. انقلاب کاری سخت ، طولانی و پر از فداکاری است. اعتراضات خیابانی می توانند باز هم ضعیف شود و تاکتیکی عقب بنشیند و دچار افت و خیز هایی باشد، اما این هم فرصت های خوبی را در جهت باز بینی ، آموزش و نوسازی بوجود می آورد .این ها درس هایی است که ما در آموزش دادن و دیدن فرا می گیریم. اوضاعی خوب و انقلابیونی پراکنده با سازمان های ضعیف . نقش ما نه صرفا تحلیل آن بلکه تغییر آن به نفع مصالح عالی طبقه کارگر و ایجاد حزب کمونیست طبقه کارگر ایران است.

ع.غ.

کودتای ۲۸ مرداد ۳۲بقیه از صفحه اول

گرفته تا دربار و خانواده سلطنتی دست در دست هم عامل اجرای سیاست های «سیا» بودند وچگونه بی پروا ضد منافع مردم و حکومت قانونی دکتر مصدق وارد همکاری با دشمنان قسم خورده ی مردم ایران شدند. از اینطریق به پسر محمد رضا شاه شاید میخواهد درس تاریخی پدرش را یاد آوری کند که اورا ما به سلطنت باز گرداند یم و نوکری و خوش خدمتی به بیگانگان زمانی انگلیس و زمانی آمریکا پیشینته ی نسل اندر نسل این خاندان بوده است. از سوی دیگر رو به صنف رو حانیت دارد که یکی از آیت الله های سر شناسش که پیوند هم با فدائیان اسلام داشت همدست و همکار اصلی در براندازی مصدق بوده است. معضل سیاست رژیم چنج کنونی دولت آمریکا در قبال ایران طبق گفته وزیر امور خارجه پیشین دولت ترامپ اینست که هنوز نتوانسته مهر های برجسته ای را مانند دوره انقلاب ٥٧ از رو حا نیون به عوامل خود تبدیل کند و یک رهبری همه باهم را بار دیگر به خورد مردم بدهند. در کودتای بیست هشت مرداد ۳۲ آیت الله کاشانی را داشت و در انقلاب ٥٧ خمینی را که دو نفر از یاران نزدیک خمینی آیت الله بهشتی و رفسنجانی در ارتباط با آمریکائی ها بودند. امروز بنظر می رسد مهره درشتی مثل آن زمان ندارند واین اسناد ایجاد زمینه است که قبح همکاری با سیا ریخته شود و چراغ سبزی است به بخشی از رو حانیت که دل خوشی هم از خامنه ای ندارند تا پا پیش گذارند. مرتجعان ذهنیگرانی هستند که هیچگاه قادر نیستند به درستی از پراتیک اجتماعی خود درس بگیرند و خود را اصلاح کنند . این ها هنوز فکر می کنند که با سناریوی ۲۸ مرداد یا ۲۲بهمن ٥٧ می توانند اوضاع را بسود خود تغییر دهند .البته هستند کسانی میان آنها که واقع بینانه عمل می کنند و اشاره دارند هر گردی گردو نیست و زمانه تغییر کرده است. امروزه طبقه کارگری که همراه دیگرحقوق بگیران به نیروی عظیم اجتماعی تبدیل شده است درجلوی صحنه طبقاتی سیاسی حضور دارد ، دست صنف روحانیت برای اکثریت مردم رو شده و اساسن معلوم شده سرمایه داری چه درقبای روحانیت وچه در لباس فاخر اشرافیت سلطنتی ستمگر وکارگر کش است و در جامعه ایران تبدیل به یک دیکتاتوری سیاه شکنجه گر می شود. درس برای امروز ما اینست بورژوازی ایران و نمایندگان سیاسی آن انگلی اند ، تقلید کننده و تازه به دوران رسیده اند بیگانه پرست و جیره خوارند.منافع ملی را فدای منافع خود می کنند و ماهیتن ضد کمونیست و ضد کارگران و زحمتکشان می باشند. **این درس سترگ مبارزات طبقاتی درایران است.**
اما نباید از خود و صفوف خود واشتباهات خود غافل شویم و همه ی شکست ها را به حساب توازن قوا و پر قدرتی دشمنان بگذاریم. باید از خود بپرسیم چگونه است که حزبی چون حزب توده ایران با تشکیلات مخفی نظامی مقتدر ، با داشتن پایه ی توده ای وسیع میان کارگران ، دانشجویان و معلمان بویژه جوانان و پشتیبانان جهانی، در برابر مشتی رجاله و طرفداران شعبان معروف به بی مخ فرومانده شد و در هم کوبیده گردید. در این زمینه هم تفسیر ها ی زیادی هست و جمعبندی های فراوان. آنچه امروز باید برجسته شود خط مشی سیاسی است. باید این درس تاریخی را همه جانبه آموخت که هرچقدر هم تشکیلات داشته باشی ،هرچقدر هم پایه توده ای داشته باشی و هرچقدر هم پشتیبان بین المللی چنانچه سیاست ومشی عمومی انقلابی تشکیلات درست نباشد در برابر دشمن ، دشمنی که کمر به نابودی تو بسته است با شکست رو برو می شوی. کودتای بیست هشت مرداد ۳۲ در حقیقت هدفش تنها ساقط کردن مصدق نبود بلکه هدف بزرگتر و جدی ترش حزب توده ایران و جنبش کارگری بود. حزب توده در یک شرائط مساعد جهانی بعنوان حزبی دمکراتیک و پارلمانتریستی پایه ریزی شده بود و در جریان کودتا فاقد یک مشی عمومی سیاسی انقلابی و در نتیجه رهبری مبارز و انقلابی بود . شکست حزب توده در بیست هشت مرداد درست ناشی از مشی رفرمیستی حاکم در حزب بود. امروز برماست در این سالگرد کودتا درس های آنرا یاد آور شویم : روی مشی عمومی انقلابی پرولتاریایی پافشاری کنیم ، برای انقلاب کردن سازماندهی کنیم ودر پی ایجاد حزبی باشیم که در نبردهای طبقاتی آبدیده شود و نسبت به دشمنان طبقاتی خود و امپریالیستها توهم به خود راه ندهد. امروز وظیفه ماست ضمن داشتن پرچم افراشته برای سرنگونی نظام سرمایه داری اسلامی حاکم با امپریالیسم و دارودسته های طرفدارانش مبارزه کنیم و برای انقلابی با تکیه به نیروی عظیم کارگران وزحمتکشان ،معلمان ،پرستاران ،دانشجویان ودانش آموزان سازمان دهیم.
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
نه به دخالت امپریالیستی
زنده باد انقلاب

زنده باد سوسیالیسم

دیلم

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

قتل عام ...بقیه از صفحه اول

از روز به قدرت رسیدن رژیم اسلامی سرکوب ها همرا با کشتار فعالین سیاسی ، اجتماعی شروع شد. دهه ۱۳۶۰ دهه ای که رژیم بر اساس حکم خمینی چوبه های دار در میدان برپا کرده است و ایران را به زندان و قتلگاه هر نیروی مخالفی که جرئت ایستادگی دارد تبدیل کرده بود.رژیم دوران سیاه ترس ، اختناق ، نا امنی و بی قانونی را براه انداخته بود تا به قول معروف زهر چشمی گرفته باشد. رژیم دست عوامل خود را برای ترور آدمکشی ، قتل های زنجیره ای و شکنجه در حد بسیار وسیع و گسترده باز گذاشته بود. مجموعه این سیاست ها تحت سیاست های همه جناح های رژیم پیش برده شد. اصلاح طلبان آینده و اصول گرایان و دلواپسان ، اعتدال گرا ، میانه رو تحت رهبری خمینی شریک این نسل کشی سیاسی هستند.

خمینی که در پاریس فریبکارانه می گفت کمونیست ها هم حق حرف زدن دارد در حکمی که برای قتل عام زندانیان سیاسی انتشار داد حتی زنده ماندن یک نفر را هم نپذیرفت . در طی این سال ها جنایت های دهه ۶۰ و بویژه قتل عام سال ۶۷ به طور مکرر مورد بحث و بررسی از زاویه های مختلف ، اجتماعی ، روانی ، سیاسی و غیره قرار گرفته است وسعی شده است که زمینه ها و دلایل چنین کشتارهای بی رحمانه و شنیعی از جانب حکومت ها بیان شود و مورد تحلیل قرار گیرد.

قدمت وجود زندانی سیاسی به طول تاریخ جامعه طبقاتی برمی گردد. زمانی که در جوامع بشری طبقات اجتماعی ظاهر شدند و بر سر منافع خود به جنگ طبقاتی دست بردند . زمانی که طبقات حاکم برای حفظ این جنگ طبقاتی به نفع خود دولت ، زندان ، شکنجه و اعدام را شکل دادند. مبارزه علیه نابرابری در شکل سیاسی آن مبنایی برای حضور مبارزین سیاسی و زندانیان سیاسی شد.

ما در تاریخ بشری با جنایت های زیادی علیه زندانیان سیاسی روبرو بوده ایم ،رژیم های گوناگون علیه زندانیان سیاسی از بدترین نوع شکنجه و اعدام های وحشتناک استفاده کرده است. اما در دوران جدید جمهوری اسلامی در استفاده از انواع شکنجه و اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی ابعاد نوینی از جنایت ، وحشیگری را به نمایش گذاشت. جمهوری اسلامی از روش هایی استفاده کرد که دوران بربریت را زنده می کرد. این روش دست دیگر جنایتکاران را برای جنایت های بزرگ در خارج از ایران هم باز کرد.

در عین حال قتل عام های زندانیان سیاسی ، جنبش مادران خاوران را بوجود آورد که با قهرمانی نگذاشتند که رژیم مردم را دچار فراموشی کنند و ذهنیت و تاریخ این جنایت را پرده پوشانی کند. رژیم جمهوری اسلامی در حال از بین بردن گورستان هایی است که زندانیان سیاسی اعدام شده در آن دفن شده اند. اما مردم ما رای خود را داده اند " نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم ".چنین است قضاوت تاریخ در باره ی جنایت بزرگ خمینی و دارودسته ی معرف به گروه مرگ که در تابستان شصت وهفت زندانیان سیاسی را به قصد نابودی کامل به جوخه های مرگ سپردند" .این رژیم بخشودنی نیست هر رژیمی که شکنجه و اعدام را همچون رژیم جمهوری اسلامی اساس قضاوت ،دادگستری و عدالت خود قرار داده است باید به گورستان تاریخ سپرده شود.

ع.غ

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکراین نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است درحفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر وتوده ها

نامه ای از ایران

این دی ماه است که ادامه دارد !این طبقه ماست که به میدان آمده است

▪ آنان که دیشب کنترل گوهردشت کرج را برای ساعتی از دست نیروهای سرکوب خارج کردند، به حاشیه رانده شده گان سیاست های ظالمانه حاکمیت اند که در حاشیه ها به گذران زندگی در فقر و تهیدستی محکوم شده اند.

▪آنان که در شاهپور اصفهان به خیابان آمدند و مطالبات شان را فریاد کردند، صنعت گران، کارگران و مردمان لگدمال شده اند که نان سفره شان را با شلاق گرانی و آب شان را به «تدبیر» ظلم و تباهی به یغما برده اند

▪در قزوین ما کارگران تعدیل شده کارخانه های ورشکسته، ما به خاک افتادگان دستمزدهای معوقه، ما برکشندگان فریادهای زیر آب که هرگز گوش شنوایی نیافتند، ما بیکاران از همه جا رانده و ما تازیانه خورده های گرانی بودیم که دیشب فریادهای طنزآلود «مرگ بر کارگر درود بر ستمگر » سردادیم

▪ما بودیم که دیشب با شعار «مرگ بر گرانی» از حاشیه های ورامین بی هیچ حاشیه ای به متن آمدیم و حضور خود را فریاد کردیم

▪آن زنانی که در صفوف نخست اعتراضات این چهار روز دیده اید مادران و خواهران طبقه ما هستند که برای اعتراض به عوامل فروپاشی خانواده های کارگری و دفاع از خط بقا در آخرین سنگرهای بقا به میدان آمده اند.

▪در اعتراضات چهار روز اخیر روح دی ماه ۹۶ نفس می کشد. از بطن درآمیختگی صداها و شعارها این صدای اعتراض طبقه ماست که به روشنی شنیده می شود؛ اردوی بزرگ رنج و محرومیت است که از حاشیه ها به میدان آمده است.

▪خودفروشان و سوداگران بدنام سیاسی، طبقه ما را نمی توانند به امثال رودی جولیانی و جان بولتن بفروشند؛ بدانند که روح مردگان مومیایی صد ساله را هم نمی توانند به ما کارگران و زحمتکشان قالب کنند.

▪راست است که ما هنوز برای ویرانی تمام جهان کهنه برنخواسته ایم و هنوز تنها نان و آزادی را با مرگ دیکتاتوری توامان می خواهیم، اما همین خیزش در امتداد خود تمام طبقات بالایی حاکم و محکوم و احزاب و نیروهای سیاسی کهنه و شعائر و

نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم

وعده ها و نیرنگ هایشان را زیر و رو خواهد کرد و مثل رودی خروشان به ساحل ناکامی خواهد کوبید.

▪ما کارگران، معلمان، بازنشستگان، صنعتگران، زنان و جوانان بیکار، حاشیه نشیان، وروستائیان خانه خراب، نه نردبان بازی های قدرت جناح های فاسد این نظام هستیم نه آلت دست قدرت های بیگانه و نیروهای خودفروخته. ما مستقل از این ها در بستر همین اعتراضات پیگیر خود، پایه گذار نظمی دموکراتیک و عدالت خواهانه خواهیم بود.

دی_ماه_ادامه_دارد

اوضاع خوبست

دنیا را همه یکجور نمی بینند .تفاوت ها ، ناشی از موقعیت اجتماعی د ر درجه اول و ناموزونی سطح دانش وفرهنگ است. موقعیت اجتماعی انسان ها در مناسبات تولیدی وباز تولید تعیین کننده نظرات وعقاید آنهاست مگر اینکه آگاه شوند . گفته ایست از لنین چنانچه منافع افراد در میان باشد بدیهی ترین فرمول ریاضی هم زیر سوال می رود ودو دو تا می شود پنج تا. در جامعه سرمایه داری انسان باید خود راسن در جستجوی حقیقت باشد ونه آنچه که هست و عرضه می شود – به پدیدها ، نظرات و جریانات عمومی تبلیغاتی و فرهنگی حاکم باید با دید شک وتردید نگاه کرده ، به آمار و فاکت های مبلغان اعتماد نکند. هر نظر و سیاستی را مورد بررسی قرار دهد و در جستجوی آن باشد که منافع کدام طبقه پشت آن پنهان است. در اوضاع کنونی که هرج ومرجی بس دامنه دار جهان سرمایه داری را فرا گرفته است و موج های بحرانی ساختار شکن یکی پس از دیگری بنیاد نظام سرمایه داری را شدیدن تکان می دهد مراکز فکری جمعی کمونیستی را طلب می کند که بتوان به این اوضاع نسبتن بغرنج و متحول جوابی بسود کارگران و انقلاب جهانی داد. آگر بنابود که تئوری ها واصول همه پاسخ ها را برای پیشروی پرولتاریا به جلو بدهد که کاری آسان میشد ،" جوهرمارکسیسم در تلفیق آن با شرایط مشخص است " طبیعی است که از دانشمندان و استادان دانشگاه نمی توان انتظار داشت آن چنان مراکز فکری باشند که راهکارهای ادامه رهایی پرولتاریا را نشان دهند .مارکس وانگلس خود جزو فعالان جنبش تازه پا گرفته کارگری و کمونیستی بودند و لنین خود را یک اکتیویست معرفی می کرد تا تئوریسین امروز هم جنبش کمونیستی کارگران و روشنفکران کمونیستی را طلب می کند، که در موضع تاریخی طبقه قرار گیرند و با کارجمعی و تحقیق وبررسی مشخص وبا سبک کار مارکسیستی از توده به توده ، از عمل به تئوری وبازهم از تئوری به عمل ، جمعبندی از هر قدم عملی و یافتن درست و نادرست و مهمتر نقد دایمی برای رفع اشتباهات ، به اوضاع کنونی پاسخ گویند. لاشه گندیده نظام سرمایه داری اسلامی حاکم در ایران که فساد و جنایت سراسر آن را فراگرفته است فرومانده و درمانده توی خیابان هاست ، امپریالیسم و راس آن ترامپ و دارودسته اش می خواهند آنرا به سود خود به خاک سپارند و برای انجام اینکار به پشتیبانی کلیه مخالفان رژیم حاکم ضد کارگری و ضد کمونیست بر خاسته از اصلاح طلبان داخل و خارج گرفته تا مجاهدین ، ناسیونالیست های ملیت های ایران تا سلطنت طلب ها نیازمند است. همه ی این ها در پی استقرار نظامی دیگر از نوع سرمایه دارند و هدفی جز ادامه استثمار کارگران در سر ندارند. به این جبهه جهانی ضد رژیم ایران همچنین از سوی ارتجاع منطقه ای بویژه عربستان و اسرائیل همه جانبه تقویت می شود. در مقابل این جبهه بدیل کارگری وچپ و کمونیست قرار دارد که ضمن هدف قرار دادن رژیم حا کم و مبارزه برای سرنگونی نه به امپریالیسم و دشمنان قسم خورده ی ضد کمونیست منطقه می گوید و برای آزادی ، استقلال و ایرانی سوسیالیستی با تکیه به عظیم ترین نیرو های توده ای مبارزه می کند. از این دیدگاه و مشی عمومی سیاسی است که کمونیست های موجود ایرانی باید از پراکندگی دوری جویند ، متحد شوند و راهکارهای نوینی را طبق شرایط موجود برای سازماندهی بدیل سوسیالیستی در برابر بدیل دیگر و بر داشتن جنازه جمهوری اسلامی اش بسود کارگران و توده عظیم مردم ایران ارائه دهند. اوضاع برای بدیل کارگری هر روز بهتر می شود. طبقات و نمایندگان سیاسی طبقات اوضاع را متفاوت می بینند.خوشبختانه امروز دیگر برای کارگران ایران روشن است سرمایه داران برای منافع خود کار می کنند. البته سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنها زودتر از کارگران در همان یورش های اولیه کارگران به دژ سرمایه ، به گفته ی داهیانه کارل مارکس باور آوردند که کارگران گور کن نظام سرمایه داری اند. .سرمایه داران شاید هیچگاه کتاب سرمایه مارکس را نخوانده اند اما بخوبی به مبارزه طبقاتی آگاهند و بخوبی دشمن خود را طبقه کارگر می دانند و مراکز فکری آنها و کلیه موسسات فرهنگی و تحقیقاتی آنها چنان هدایت می شوند که طبقه کارگر را در زنجیر بردگی نگهدارند. البته نه به صورت برده داری زنجیر به پا بلکه با شیو ه های به روز شده ی سلطه . اما متاسفانه هنوز در صفوف اقشار خرده بورژوا بعضی ها چنین می پندارند که سرمایه دارها و دولت های آنها برای پیشرفت علم و راحتی بشریت است که آزمایشگاه های تحقیقی بر پا میدارند و راه حل های موثرتری را برای کار آمدی پیدا می کنند . نه سرمایه دار با هدف سود بیشتر اینکار را انجام داده و پیوند ناگسستنی با خوارکردن نیروی کار ،با دهن کجی به آن کردن و نهیب زدن به کارگران است اگرتسلیم نشوی ماشین جایت را خواهد گرفت. سرمایه دار نمی تواند جز به سود بیشتر از طریق استثمار کارگران عمل کند. در جامعه طبقاتی ما نه گرایش علمی بیطرف داریم ونه تکنولوژی بدون طبقه . در جامعه طبقاتی هم اندیشه وهم رفتارو کردار انسان ها مهر طبقاتی خورد ه است . بدیل امپریالیستی ترامپ و دارودسته های پشتیبانش به طبقه جهانی سرمایه تعلق دارد. متاسفانه شاگردان مارکس به خوبی که سرمایه داران مارکس را فهمیدند آنها نفهمیدند . چنانچه علل اصلی شکست های پرولتاریا را بررسی کنیم می بینیم ریشه در عدم درک همه جانبه کمونیست ها از نقش کارگر کش سرمایه داری دارد.

پنجاه سال پیش هنگامی که سا زمان انقلابی حزب توده ایران با نقد مشی رفرمیستی رهبری از آن جدا شد و پای در عمل برای سازماندهی کمونیستی برای انقلاب کردن گذاشت ، پس از شرکت عملی اولیه در پراتیک اجتماعی و تحقیق وبررسی از اوضاع مشخص ایران متوجه شد که تاکید یکجانبه روی مبارزه مسلحانه براساس ارزیابی ذهنی از اوضاع ایران بوده و شرایط برای آن فراهم نیست این گام نخست در شناخت واقعی از ایران بود اما هنوز باید در درون خود به مبارزه میان دو خط ادامه می داد . هنوز باید در پیوند با کارگران قرار می گرفت تا به عمق آموزش های کمونیستی پی می برد و انشعاب اول بر سر همین موضوع بود. سازمان انقلابی به چها ر دسته تقسیم شد ند :

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

آنهائی که در پی احیای حزب توده بودند و اصرا داشتند که حزب توده نه رفرمیست بلکه انقلابی وکمونیستی بوده است

آنهایی که همچنان روی مبارزه مسلحانه جدا از توده ها و چریکی پافشاری کردند و اولین عملیات خود را هم با موفقیت به سرانجام رساندند،

آنهایی که متوجه شدند انقلاب کردن آنهم روی خط مشی مسلط در سازمان انقلابی که از همان آغاز پایه ریزی شده بود رفتن به ایران و ادامه مبارزه در داخل سخت است و عمد تا به مبارزات دمکراتیک خارج خود را محدود کردند ،

سازمان انقلابی اکثر کادرهای خود را که از روشنفکران بویژه دانشجویان خارج کشور بودند برای سازماندهی و نوسازی آنها به درون کارگران گسیل کرد . در میان این رفقا دکترهای تحصیل کرده از آلمان و آمریکا هم بودند. تجربه بسیار خوبی بود در درک بیشتر وضع فلاکت بار کارگران ایرانی مهاجر در کویت ودبی . اما برجسته ترین دست آورد که مربوط به نقطه نظر طرح شده در این نوشته است پی بردن بازهم بیشتر به کینه ی سرمایه داران نسبت به کارگران و آگاهی یافتن آنها بود. رفیق عباس تمبرچیان که زندگی در کالیفرنیا را رها کرد و با شور شوق و مصمم به دبی رفت و برای مدت طولانی به یک کارگر پنجره ساز وتراش کار در یک کارگاه دبی تبدیل شد در گزارش خود در آن زمان نقل کرد: روزی یکی از رفقای پزشک ما را که در یک کارخانه کوچکی کار می کرد و کارگران او را بخاطررفتار کمونیستی اش دوست داشتند ، صاحب کار صدا می کند و می گوید حرف با کارگران بزنی با دو هزار دینار می توانم بدم سرت رابیرند و همین پشت دیوار کارخانه چالت کنند. یاد رفیق عباس تمبرچیان عضو دفتر سیاسی حزب رنجبران ماندگار باد که سال ها بعد بدست جلادان رژیم اسلامی در خراسان دستگیر و به جوخه اعدام سپرده شد. عباس همیشه تاکید می کرد چند سال کارمیان کارگران وکارکردن درک مرا نسبت به آموزش مارکس در مورد نقش سرمایه ودشمنی سرمایه دار با کارگر همه جانبه کرد.

در این زمانه ی پر آشوب که باردیگر مبارزه طبقاتی به مرحله حادی رسیده و طبقه کارگرهر روز استوارتر برای کسب حقوقش مبارزه می کند ومتشکل ترمی شود ، چنانچه کمونیست ها بخواهند در خدمت آن قرار گیرند تا اینکه به مانند فرقه ای جدا گانه عمل کنیم باید درک همه جانبه ای از صف آرائی طبقاتی بین بورژوا و پرولتاریا در ایران کنونی بدست آوریم. تما م نقشه ها وپیشنهادات ، بدیل ها و راه حل ها ی مطروحه مهر طبقاتی خورده اند. از سلطنت طلبان گرفته تا مجاهدین ،از دمکرات های سکولار گرفته تا اصلاح طلبان رنگارنگ برای نجات نه ایران بلکه برای نجات سرمایه داری کار می کنند. بی خود نیست آنها حتا بدیهی ترین وقایع تاریخی را نادیده می گیرند ، نتایج کودتای بیست هشت مرداد ۳۲ را حتی بخشی از ملیون فراموش می کنند و بخشی از سلطنت طلبان هم که دست در دست دستگاه های امنیتی آمریکا و اسرائیل و عربستان داده اند نقش آمریکا را در براندازی شاهشان در انقلاب ۵۷ زیر سیبلی رد می کنند و به گفته لنین دو دو تا را پنج می دانند. درست بر اثر همین چرخش بازیگران سیاسی ناسیونالیست های ملیت های ایران و رهبران خود فروخته مجاهدین ، سلطنت طلبان است که ترامپ و دارودسته اش دور گرفته وبدون در نظر گرفتن خواست اکثریت مردم که سال هاست برای سرنگونی رژیم جنایتکار حاکم مبارزه می کنند در برابر جنبش عظیم کارگری مستقل ایران دارودسته های دست پرورده ی خود را با پول جیبی های سخاوتمندانه بعنوان بدیل آینده پشتیبانی می کنند. شرم باد بر خود فروشانی که به حکم وزارت امور خارجه آمریکا و جنایتکاران صیهونیستی اسرائیل در پی رهبر سازی برای جنبش توده های مردم ایران هستند . تاریخ دارد تکرار می شود. بازهم همانند دوران کودتای بیست و هشت مرداد ۳۲ و انقلاب ۵۷ امپریالیسم نقش عمده را در میدان داری بازی می کند و با امکانات و جاسوسانی که در سطح رهبری های آنها دارد تلاش می کند صف متحدی از این دسته ها درست کند تا عبور از رژیم ولایت فقیه را به سود غارت بیشتر و استقرا ر نظا می سرمایه داری با رنگ ولعاب نوینی آسان تر سازند . هدف یکی است سرکوب جنبش بپا خاسته ی تودهای کنونی ، منحرف کردن آن. تلاش در جلوگیری از رادیکالیزه شدن جنبش عظیم توده ای که چون توفانی سهمگین دیر یا زود با شرکت متشکل تر طبقه کارگر ، با متخد شدن کمونیستها در حزبی در پیوند فشرده با طبقه ، با یک مشی عمومی سیاسی که ضد سرمایه داری حاکم و امپریالیسم است و هدفی جز سوسیالیسم در پیش ندارد بر می خیزد. چنین است اوضاع و صفبندی های سیاسی کنونی.

اوضاع خوبست و به سود کارگران و زحمتکشان وتوده های عظیم مردم در حال تکامل است. کمونیستها و نیروهای ضد امپریالیست و ضد رژیم سرمایه داری حاکم از خیزش عظیم مردمی دیماه ۹۶ با شوروشوق استقبال کردند و آنرا آغازی برای پیشروی برای گرفتن قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر دانستند، این یک ارزیابی درست و یاری دهنده به جنبش کارگری بود . کمونیستها بنا به آموزش های داهیانه مارکس متعلق به طبقه کارگرند ، فرقه ودسته ای جدا از طبقه نیستند و درست از این موضع و با جهانبینی طبقه کارگراست که اوضاع کنونی را خوب ارزیابی می کنند . دشمنان طبقه کارگر چه آنها که حاکمند و چه آنها که در مخالفت با حکومت با یاری امپریالیستها ومرتجعان منطقه در پی به قدرت رسیدن اند ظاهرا پر قدرت به نظر می رسند اما هم در درون خود دارای تضاد هستند و هم با خیزش هر چه بیشتر جنبش توده ها در ایران منفرد تر می شوند. کمونیست های ایران امروز پس از صد سال مبارزه و تاریخ خونبار لشکر آنها با درایت تر بایدعمل کنند و در جهت تاریخ حرکت نمایند هرروز که می گذرد پایه های جنبش های توده ای گسترش می یابد و متشکل می شود ، هر روز گور کنان سرمایه داری دست به اعتصاب می زنند و هر روز آگاهتر از روز قبل در عمل در رودر رویی با سرمایه داران و ماموران امنیتی آنها به توانایی وقدرت خود پی می برند . چنین است اوضاع از دید واقعی طبقاتی و جهانبینی پرولتاریا .

بورژواها چه آنها که حاکمند و چه آنهایی که میخواهند جای آنها را بگیرند ایران را در حال فرو پاشی می بینند . حاکمان در مانده و حلقه به حلقه در محاصره ی مخالفانشان . بدیل بورژوازی مخالف درپی ره یابی میان بری با یاری آمریکا هستند که به اصطلاح به هرج وهرج کنونی پایان دهند و بار دیگر در لباسی دیگر حکومتی اما سکولار بر پاسازند وطبقه کارگر را همچنان در قید نظام سرمایه داری مهار کنند

طبقه کارگر نه در بازار بورس شریک است ونه در خرید وفروش دلار دستی دارد. هرج ومرج کنونی را پرولتای ایران می تواند تبدیل به یک موج انقلابی کند و به عنوان یک بدیل سیاسی برای تغییر بنیادی جامعه در صحنه سیاسی بطور موثر حاضر شود. کمونیستها باردیگر برخاسته اند ،خون های ریخته شده رفقایشان را پاک کرده، غم ها وزخم های عمیق را به نیرو باید تبدیل کنند ، به دوران پراکندگی و فرقه گرایی نه

بگویند از سراسر جهان که پراکنده شده اند و از قعر کارخانه ها که سال هاست با درد وزحمت زیاد به کار مشغول بوده اند فریاد یکی شدن را بلند وبلند تر کنند. "باید یکی شویم، آنها هراسشان از یکی شدن ماست" به دورباد طاعون پراکندگی وفرقه گرائی
زنده باد جنبش نوین یکی شدن و پیوند با جنبش کارگری عظیم ایران
پیروزی بدیل طبقه کارگر حتمی است ونجات مردم ایران از همین راه بدست می آید
نه به تما م کوره راه حل ها وبدیل های بورژوائی و امپریالیستی.

دیلم
۱۵ اوت ۲۰۱۸

بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

جواب قلدرگری امپریالیستها درهم شکستن: حاکمیت قانون جنگل آنها درجهان است!

هم اکنون در شرایطی که کشورهای امپریالیستی در تب گیروگرفت بحران اقتصادی ناشی از ماهیت استثمارگرانه و ستمگر خود دست و پا می زنند، راه حل پایان دادن به این بحران از طریق اعمال زورگوئی باز هم بیشتربه توده های مردم کشورهای پیرامونی و ربودن امتیازات از یکدیگرروی آورده اند. نمونه ی رسوای عملکرد امپریالیسم آمریکا با توسل به جنگ یا تحریم اقتصادی کشورها در تجارت جهانی از آن گونه است.

خبرگزاری رویترز روز چهارشنبه ۱۸ ژوئیه (۲۹ تیر) با انتشار گزارشی از مواضع رسمی اعلام شده توسط ورنر هویر، رئیس بانک سرمایه‌گذاری اروپا در همدم شدن با این سیاست آمریکا اشاره کرد. هویر رسما اعلام نمود که گرچه او از تلاش‌های اتحادیه اروپا برای نجات توافق هسته‌ای با ایران حمایت و پشتیبانی می‌کند، اما امکان همکاری بانک‌های اروپا با ایران را عملا با مدل کار بانک‌های اروپایی ناسازگار می داند.

تاثیر تهدیدهای آمریکا

خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و موضوع تجدید و تشدید تحریم‌های ایران، به همکاری‌های بانکی و به‌ویژه معاملات مالی به عنوان یکی از خواست‌های جمهوری اسلامی موضوعیت بخشیده است.

هویر در یک کنفرانس مطبوعاتی که روز چهارشنبه ۱۸ ژوئیه در کمیسیون اروپا در بروکسل برگزار شده بود صراحتا گفت: علت عدم تمایل همکاری با بانک‌های جمهوری اسلامی تهدیدهای ثانویه‌ای است که از سوی دولت ترامپ پیش‌بینی شده است. آمریکا اعلام کرده است که هر موسسه‌ای که با جمهوری اسلامی ایران فعالیت اقتصادی کند، مشمول تحریم‌ها و مجازات‌های آمریکا خواهد شد.

روزنامه «نیکی» ژاپن نیز پنجشنبه ۲۸ تیرماه از آمادگی شرکت‌های ژاپنی برای قطع کامل واردات نفت ایران خبر داد. به نوشته این روزنامه «عرضه نفت ایران باید تا مهر ماه کاملا متوقف شود.»

به گزارش اسپوتنیک به نقل از روزنامه ژاپنی می نویسد کشورهای جایگزین برای تامین نفت موردنیاز ژاپن، شامل عربستان سعودی و امارات خواهند بود.

قطع واردات نفت ژاپن از ایران به دلیل اعمال تحریم‌های تازه آمریکا و تلاش این کشور برای به صفر رساندن صادرات نفت از ایران است.

در عین حال برخی گزارش‌ها حاکی از این است که دولت آمریکا ممکن است به برخی کشورها که مشتری نفت ایران هستند، مهلت بیشتری برای پیوستن به تحریم نفت ایران بدهد.

استیون منوچین وزیر دارایی آمریکا می‌گوید با وزرای اقتصاد و دارایی کشورهای متحد آمریکا درباره‌ی پیوستن به تحریم خرید نفت ایران، رایزنی خواهد کرد.

آمریکا تحریم هایی علیه روسیه، چین و هر کشور دیگری وضع خواهد کرد که به خرید نفت ایران بر خلاف موضع آمریکا ادامه بدهند.

وزیردارایی آمریکا در نشست کنگره این موضوع را عنوان کرد و گفت:«به اطلاع شما می رسانم که قصد داریم تحریم هایی در رابطه با نفت ایران علیه هر کشوری که آن را خریداری کند وضع کنیم از جمله چین".

قانونگذاران از وی پرسیدند که آیا «چین که آمریکا در حالت جنگ تجاری با آن کشور قرار دارد حرف وزیر دارایی را گوش خواهد داد؟» آنها یادآور شدند که چین بزرگترین وارد کننده نفت ایران است. وزیر دارایی در پاسخ گفت:«تکرار می کنم، ما علیه هر کشوری که نفت ایران را خریداری کند ـــ چین، روسیه، کشورهای اروپایی و بقیه کشورها ـــ تحریم هایی وضع خواهیم کرد".

تلاش آمریکا برای جلوگیری از فروش نفت ایران در رابطه با خروج این کشور از توافق هسته ای برجام است.

در تاریخ ۸ مه، دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا خبر خروج واشنگتن از توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و احیای سیاست اعمال تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران را اعلام نمود. این توافقنامه موجب محدودیت در فعالیت های هسته ای ایران و جلوگیری از اقدامات یکجانبه آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا در تحریم های یک طرفه می باشد.

به عقیده رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، برنامه جامع اقدام مشترک با ایران، با امکان دور زدن تحریم ها توانایی ساخت بمب هسته ای را برای تهران فراهم می کند. در عین حال ایشان به انعقاد توافق نامه جدیدی به جای برجام نیز اشاره نمود.

روسای جمهور بریتانیا، آلمان و فرانسه، ترزا می، آنگلا مرکل و امانوئل ماکرون خواهان اجرای برجام توسط طرفهای توافقنامه شدند. همچنین سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه خاطرنشان ساخت خروج امریکا از برجام جهانیان را از یکی از مهم ترین وسایل برای منع گسترش سلاح هسته ای محروم می سازد. حسن روحانی، رئیس جمهور ایران اعلام نمود که تهران همچنان به تعهدات خود در قالب برجام ادامه می دهد و به تعهدات خود عمل خواهد نمود. آژانس بین المللی انرژی اتمی در هر ده گزارش خود تاکید کرده که جمهوری اسلامی به تعهدات خود در چارچوب برجام عمل می کند

.اخبار ایران - در تاریخ ۱۹ / ۰۷ / ۲۰۱۸

برای هر انسان آزاده ای، امپریالیسم

آمریکای قلدرگر در مورد هرکشوری به خود حق داده و می دهد، نشانی است ازپیروی از قانون جنگل و تحمیل خواست و نیاز خود به دیگرانی که در موقعیت ضعیف قرار دارند. زیرا اگر قرارباشد خطر استفاده از بمبهای اتمی در جهان کاسته شود و با توجه به این که تنها کشور استفاده کننده از این بمبها خود امپریالیسم آمریکا بوده، لذا یا این کشور بدون هیچ قید و شرطی اولین کشور نابودکردن بزرگترین زرادخانه سلاحهای اتمی اش را انجام دهد و سپس از دیگران بخواهد که کشورهائی که سلاح اتمی دارند ازبین ببرند و اگر کشوری از این امر تخطی نمود که صاحب چنین سلاح است توسط تمام کشورهای دیگر مورد تحریم اقتصادی قرار گرفته و آن کشور به این خواست جهانی گردن بگذارد. به مصداق رطب خورده منع رطب چون کند به ویژه درمورد عملیات ویران ساز بشریت بیش از ۷۰ سال پیش توسط امپریالیسم آمریکا با بمب اتمی ریختن روی دو شهر هیروشیما و ناکازاکی ژاپون به صورت بزرگترین متجاوز جنگ افروزقسی القلب ترین جهان عمل کرده و تنها راه مبارزه متحد مردم جهان علیه این نظام وحشی برتر جهان پیروزی بزرگی به بار خواهد آورد.

تفسیر یک خواننده رنجبر

★

دفاع از حقوق پایمال شده کودکان درایران!

ابتدائی ترین و درعین حال مبرم ترین وظیفه ی هر حکومتی مترقی و انقلابی، تامین نیازهای زنده گی کودکان و آموزش و پرورش دادن جهت تربیت کودکان به مثابه انسانهای سالم، باسواد، باکیفیت، مسئوول، و آگاه به نقش خود در پیشبرد جامعه و نیز آینده آن ، است و سپس جواب دادن به نیازهای کشور درتحقق حقوق اکثریت عظیم تولید گران فکری و یدی، بدون استثمار، بدون ستم، بدون تبعیض، آگاه و فارغ از خود خواهی تا در ایجاد کشوری آزاد، آباد، مرفه و درحال رشد و متعالی آماده شوند.

اما در جمهوری اسلامی خادم دین وسرمایه کوچکترین نمونه ای در ایجاد چنین فضای تامین رشد آزاد کودکان ایران نیست که نه تنها کودکان را تبدیل به برده های بدون حق و افکار علمی و مترقی، ولی مملو از خرافات و سرسپرده گی می کنند. کودکان کار شدیدا استثمارشده، مورد تجاوز و تهدید قرارگرفته در میدانهای کار، به جای حق زنده گی احترام آمیزداشتن، اعضای بدن آنها را ربوده و دریک کلام انسانهای آینده ساز بدون حق و حقوق چه در دوره سلطنتی و چه در حاکمیت ۴۰ ساله ی جمهوری اسلامی پایمال شده گان کشورند. اندک نمونه های مشخصی دراین مورد را در زیر نقل می کنیم که حکایت جانگداز زنده گی این گلهای پرنشاط انسانی درجهنم حاکمان دیو صفت پرپرشده و می سوزند:

فعالان مدافع حقوق کودک می‌گویند: تا زمانی که مشکل کودکان بدون شناسنامه به صورت بنیادین و اصولی حل نشود، طرح‌های مقطعی فقط پاک کردن صورت مساله است و به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، حل مشکل بی‌شناسنامگی برای سیستان و بلوچستانی‌ها یکی از مهم‌ترین خواسته‌های فعال مدنی‌ست. کودکان بی‌شناسنامه از حق تحصیل محرومند و لاجرم در خیابان و کارگاه‌ها به سخت‌ترین و پرخطرترین مشاغلِ ممکن روی می‌آورند. مشاغلی که شاید زباله‌گردی یکی از معمول‌ترین و آشناترینِ آنها باشد.

۲۹-۷-۲۰۱۸

جدا از وجود مشکلات جدی وگسترده حقوق کودک بطور عام ،اکثریت کودکان کار، محروم از تحصیل و کارتن خواب ها و نیزآنهایی که مورد سوء استفاده های گوناگونی قرار می گیرند از طبقات فقیر و زحمتکش جامعه هستند.

ثبت ازدواج ۹ دختر کمتر از ۱۰سال در کهگیلویه و بویراحمد:

مدیرکل ثبت احوال کهگیلویه و بویراحمد از ثبت ۹ مورد ازدواج دختران کمتر از ۱۰ سال طی سال گذشته در این استان خبر داد.

او در خصوص وضعیت سن ازدواج دختران در سطح استان طی سال ۹۶ گفت:« دخترانی که زیر ۱۱ سال ازدواج کردند ۱۲ مورد، در ۱۲ سال ۲۵ مورد، در ۱۳ سال ۶۳ مورد، در ۱۴ سال ۱۲۴ مورد، در ۱۵ سال ۲۲۵ مورد، در ۱۶ سال ۲۵۸ مورد، در ۱۷ سال ۳۱۲ مورد و در ۱۸ سال ۳۸۴ مورد بوده است.

صدای آلمان ــ ۲۹-۷-۲۰۱۸

تعیین مجازات‌های آزار یا سوءاستفاده جنسی از کودکان و نوجوانان توسط مجلس:

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای مجازات‌های مربوط به آزار یا سوءاستفاده جنسی از کودک یا نوجوان را تعیین کردند.

به گزارش ایسنا، نمایندگان مجلس در جلسه علنی صبح امروز یکشنبه ۷ مرداد (۲۹ ژوئیه) ماده ۱۰ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان را به تصویب رساندند که بر اساس آن هرکس نسبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار یا سوء استفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد با درنظرگرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه‌دیده، شرایط مرتکب و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

۱- آزار جنسی تماسی با محارم یا با عنف به مجازات حبس درجه ۵

۲- سایر آزارهای جنسی تماسی به مجازات حبس درجه ۶

۳- آزار جنسی غیرتماسی با محارم یا با عنف به یکی از مجازات‌های درجه ۷

۴- سایر آزارهای جنسی غیرتماسی به یکی از مجازات‌های درجه ۸

۵- بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر نمودن برای هرزه‌نگاری یا سوء استفاده جنسی به مجازات حبس درجه ۵

۶- در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان به یک یا چند مجازات درجه ۸

۷- استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط.

۸- واردات، صادرات، حمل، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آنها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آنها به یکی از مجازات‌های درجه ۶.

۹- برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به‌منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه ۶.

این نمونه ها و گند و کثافت رایج در ایران به حدی درمورد نونهالان ایران به کارگرفته شده که مجلس شورای اسلامی برای حفظ آبروی بدون آبروی خود این مجموعه را در ظاهر دفاع از کودکان به تصویب

حمایت و حفاظت وتامین یک زندگی انسانی حق هر کودکی است

رسانده و واقعیات روز مره در ایران نشان می دهد که کودکان در سالهای اول حیات خود چنان مورد تجاوز و تبعیض و قساوت قرار می گیرند که وقتی به سنین بلوغ می رسند به حکم دفاع از حیثیت خود دست به انتقام می زنند. امری که نشان دهنده ی عدم سلامت روحی این نوباوه گان می باشد که نظام حاکم سرمایه داری عامل اصلی این نابه سامانی کودکانند.

به نقل از اخبار کودکان
۸ مرداد ۱۳۹۷

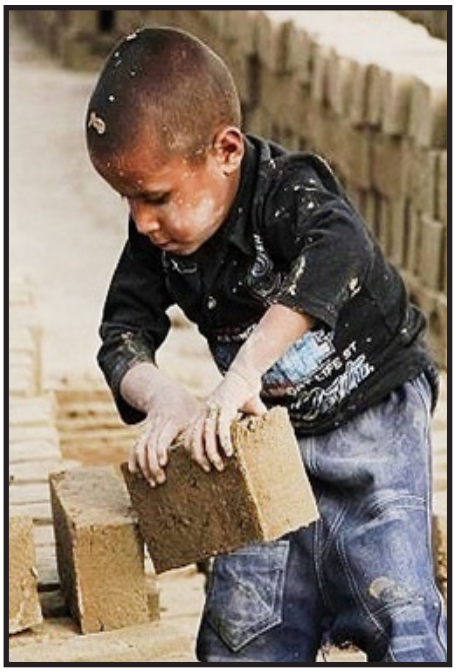

به یاد شاهرخ زمانی

کارگران وتوده هایی وسیع مردم بازهم برخاستند و برای سرنگونی رژیم جنایتکار سرمایه داری حاکم متحد شدند. این در روز هائی صورت گرفت که ترامپ رئیس جمهور آمریکا دست آشتی بسوی حاکمان جنایتکار ایران دراز کرد و اعلام کرد بدون هیچ شرط وشروطی حاضر به دیدار ومعامله است. خیزش نوین توده های مردم در ایران ،ادامه اعتصابات کارگران در سراسر کشور پیشتازی تشکل های مستقل کارگری در شرکت در مبارزات عمومی جامعه و گذار از محدود کردن خود به مشکلات اقتصادی واحد سندیکائی خود نشان دهنده ی شکل گیری یک جنبش توده ای بزرگ وعظیمی است که در ایران در حال شکل گیری و انسجام است.

این جنبش ریشه در خوا ست عمومی جنبش های صد ساله کارگران ، کمونیست ها ، سوسیالیست ودموکرات های ایران دارد . جنبشی است از مترقی ترین خواست های ملل ستمدیده ایران ،جنبشی که نشان از خیزش های مترقیانه زنان پر افتخار جامعه دارد که همیشه در این سال های طولانی از پای ننشسته و در سیاهترین شرایط سر کوب به پیشتازی خود در مقاومت ادامه داده است، این جنبش آشکارا ادامه ی جنبش های عظیم ترقی خواهانه ودموکراتیک ضد امپریالیستی محصلین و دانشجویان ایرانی است که شعار روز شانزدهم آذر ، روز قیام دانشجویان دانشگاه تهران علیه کودتاگران مرداد ۳۲ - اتحاد – مبارزه – پیروزی همچنان برافراشته است ، این جنبش کارگری وتوده ای نشانی بس پر رنگ از اولین کنگره حزب کمونیست ایران در انزلی دارد که پس از پیروزی تاریخی طبقه کارگر روسیه بر نظام تزاری خود را به درستی بعنوان بدیل انقلابی و کارگری در اتحاد با دیگر نیروهای آزادیخواه و دمکراتیک به کل جامعه ایران معرفی کرد.یاد رهبران این جنبش های آزادیخواهی ، دمکراتیک ،استقلال ،عدالت اجتماعی و امروز بطور بس برجسته سوسیالیسم در جریده عالم به یادگار مانده است ستار خان ، حیدر عموغلی ، تقی ارانی ، محمد مصدق ، جعفر پیشاوری ، محمد قاضی ، خسرو روزبه و در دوران معاصر هزاران پیشتازان انقلابی که در میدان های اعدام و یا در نبرد های پی در پی رودر رو با دشمنان زحمتکشان و مردم ایران جان باختند ، بی شک امروز این جنبش بر اثر تحول تاریخی جامعه که طبقه کارگر آن به پانزده میلیون رسیده خواست هایش از خواست های این نیروی عظیم اجتماعی نشات می گیرد و رهبرانش از قعر دریای مبارزات عظیم کارگری بر می خیزد .در اینجا باید در ادامه این جنبش ها ی عظیم و طولانی نامی از شاهرخ زمانی ببریم چون نماینده این موج نوین مردمی است که از میان لشگر کار وزحمت برخاسته و نماینده کمونیسم و سوسیالیسم امروز است. شاهرخ زمانی چون ستاره ای سرخ وتابنا ک از درون زندان ها به رسم گرامشی ها از جامعه ایران همراه دیگر زندانی ها تحلیل میدهد و به درستی چنین خیزش عظیم توده ای را برای براندازی نظام جمهور اسلامی پیش بینی می کند. او با جعبندی از کل مبارزات صد ساله و با درس گیری از پیروزی ها و شکست ها خطاب به طبقه کارگر تاکید می کند بدون تئوری انقلابی و حزب سیاسی پیشقراولت توانائی برای هدایت کل جنبش کارگری و توده ای را بدست نخواهی آورد ،او ضمنن رو به کمونیستها دارد که بدون پیوند با طبقه کارگر ،بدون ایجاد تشکیلات منضبط کمونیستی ومخفی در مراکز کارگری همچنان بصورت موجی با خصوصیات سکتاریستی و فرقه ای باقی می مانید و مهمتر اینکه رو به کل جنبش های دمکراتیک در زندان دست در دست معلمان و کلیه عناصر سرکوب شده از اقشار دیگرطبقاتی می گذارد و تاکید دارد بدون کمونیستها و طبقه کارگر هیچگاه وهرگز به خواست هایتان نمی رسید و خود نمو نه ا ی از اتحاد بزرگ ملی وسراسری می شود.

بی خود نبود که در خاکسپاری او با تمام اقدامات امنیتی از همه ملیت های ستمدیده ایران کارگران خود را به مراسم رساندند ، بیخود نبود که نمایندگان زنان ،دانشجویان ، نویسندگان ، با ریسک دستگیری در آنجا حاضر شدند و در پایان همگی با هم ومتحد فریاد کردند « شاهرخ معلم ماست راه شاهرخ راه ماست.

حزب رنجبران ایران بعنوان گردانی از این جنبش ریشه دار و تاریخی طبقه کارگر ایران امروز با نوسازی خود زیر پرچم کمونیسم علمی ، با تاکید بر یافتن راه های مشخص باتوجه به شرایط ایران در برابر دو بدیل سیاسی روز ایستاده واز راه درست و بدیل طرح شده از طرف جنبش کارگری دفاع می کند.

کارگران و توده های عظیم مردم بر خاسته اند و هر روز بیشتر و رادیکاتر در مبارزات شرکت می کنند. ما دست همکاری اتحاد عمل ،اتحاد سیاسی طولانی برای ایجاد جبهه ای واحد وسراسری ، یکی شدن با کمونیستها برای ایجاد حزب انقلابی کارگری دراز می کنیم. بدیل ما در برابر بدیل های رژیم چنج آمریکایی ودر برابر اصلاح رژیم دارای ماهیت انقلابی ،مردمی ، استقلا ل وعدم وابستگی به امپریالیسم و از خواست اکثریت عظیم مردم بر می خیزد.

پرچم سرخ کمونیستی را بر افراشته نگه داریم

برای– ایجاد حزب کمونیست ، برای گسترش جنبش کارگری و سازماندهی آن متشکل ومتحد وسراسری و برای اتحاد بزرگ توده ای از جنبش های کنونی زنان ،معلمان ،دانشجویان و..... مبارزه کنیم

محسن رضوانی یازدهم مرداد ماه ۱۳۹۷

مافیاگری... بقیه از صفحه آخر

حسن روحانی رئیس جمهور ایران در رابطه با به "صفر رساندن" فروش نفت ایران از جانب ترامپ، روز گذشته در جمع رؤسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور "کار آمریکا" را "توطئه علیه ایران و ملت بزرگ ایران" دانست و از جمله گفت: «توطئه آخر آمریکا تلاش برای خسته کردن ملت ایران است».

وی همچنین با اشاره به قصد آمریکا برای رساندن صادرات نفت ایران "به صفر" بر تهدید خود بر "بستن تنگه هرمز" تأکیدی مجدد کرد و گفت: «کسی که اندکی سیاست بفهمد، نمی‌گوید جلوی صادرات نفت ایران را می‌گیریم. تنگه‌های زیادی داریم؛ تنگه هرمز فقط یکی از آنهاست».

پس از این شاخ و شانه کشیدن های دو رئیس جمهور آمریکا و ایران به یک دیگر، نوبت به تهدیدهای وزیران امور خارجه، و مسئولان نظامی فرا رسید: در رابطه با دخالتهای طرف مقابل نیروی نظامی ایران در ممانعت از تحقق تحریم های آمریکائی و یا در پیشبردن این تحریم ها با توسل به زور و توانائی ارتش مهاجم آمریکا!

سپس نوبت به تحلیل نظرات رسانه های تبلیغاتی فرا رسید: رویترز نوشت: آمریکا قصد دارد با دامن زدن به نارضایتی‌ها در ایران و تشدید فشار بر حکومت این کشور، دولتمردان ایران را ناگزیر به پایان دادن به فعالیت‌های هسته‌ای و کاهش دامنه‌ی حضور خود در تنش‌های سیاسی منطقه بکند. خبرگزاری رویترز روز یکشنبه ۲۲ ژوئیه (۳۱ تیر) با انتشار گزارشی از یک کارزار وسیع تبلیغاتی علیه حکومت ایران خبر داد. بر اساس این خبر، ترامپ در همراهی با وزیر امور خارجه خود، مایک پمپئو و نیز مشاور امنیت ملی خود، جان بولتون، این کارزار تبلیغاتی را علیه رهبران جمهوری اسلامی به راه انداخته است.

رویترز می‌نویسد که در این کارزار تبلیغاتی، با بهره گرفتن از سخنرانی‌های تهاجمی و نیز ارتباطات آنلاین سعی می‌شود رهبران جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی کنند. هدف از این سیاست، از یکسو پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران است و از سوی دیگر قطع حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی از گروه‌های شبه‌نظامی و افراطی در خاورمیانه.

شماری از مقامات و مسئولان کنونی و پیشین آمریکا تحت رهبری مایک پمپئو در این کارزار تبلیغاتی علیه ایران حضور دارند.

در حساب توییتری وزارت امور خارجه آمریکا و تارنمای „ShareAmerica" ظرف هفته‌های گذشته اظهارات تندی به زبان فارسی در رابطه با دموکراسی و سایر مسائل اجتماعی منتشر شده و از حکومت ایران به شدت انتقاد شده است.

در شبکه‌های اجتماعی، نقش ایران در حمایت و پشتیبانی از نیروهای افراطی مورد انتقاد قرار گرفته است. حتی گفته شده که شرکت هواپیمایی ایران در حمایت و پشتیبانی از خشونت و تروریسم فعالیت می‌کند.

توسط شیپور دیگرتبلیغاتی محافظه کارانی در رسانه های وابسته به دولت ایران نیز، سازدیگری به صدا درآمده است: « آقای رئیس جمهور این یک دام است» عنوان سرمقاله روز شنبه، ششم مرداد ماه روزنامه جمهوری اسلامی است که مدیر مسئول این روزنامه، مسیح مهاجری نوشته است.

مهاجری در ابتدای یادداشت خود نوشت: «رجزخوانی‌های ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و مایک پمپئو وزیر خارجه او علیه جمهوری اسلامی ایران، این روزها رئیس‌جمهور روحانی را هم به جنب و جوش آورده و به مصاف لفاظی دولتمردان افراطی آمریکا برده است.»

مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی می‌گوید پاسخ دادن به "رجزخوانی‌های" دونالد ترامپ و پومپئو در شأن رئیس جمهوری ایران نیست و این کار را باید افرادی در سطح پائین‌تر انجام دهند. او همچنین توصیه کرده که این پاسخ باید "با تکیه بر منطق و واقعیت‌ها و با رعایت موازین" و بدون خارج شدن از چارچوب اعتدال داده شود.

مسیح مهاجری در توضیح توصیه خود با اشاره به دولتمردان آمریکا نوشته است: «آنها حرفه‌ای عمل می‌کنند و هدفشان این است که مسئولین نظام جمهوری اسلامی را به عکس‌العمل وادار نمایند و با ادامه دادن این رجزخوانی‌ها بهانه‌های لازم را برای تحقق اهدافشان به دست بیاورند».

اما به دنبال این تهدیدهای جاروجنجالی و نظر اعتدال گرایان، جیم متیس وزیر دفاع آمریکا در مورد:« کشمکش موجود میان آمریکا و ایران گفت که ایالات متحده در پی تغییر رژیم یا سرنگونی دولت در ایران نیست.

وی روز جمعه (۲۷ ژوئیه) در واشنگتن در برابر خبرنگاران گفت که آمریکا هیچ یک از دو هدف یاد شده را دنبال نمی‌کند.

متیس گفت: «ما باید به این هدف برسیم که ایران رفتارش را در رابطه با مجموعه‌ای از تهدیدات تغییر بدهد؛ تهدیداتی که این کشور می‌تواند از طریق ارتش‌اش، دستگاه‌های امنیتی‌اش و نمایندگانش نشان بدهد». به گفته جیم متیس، وزیر دفاع ایالات متحده، آمریکا نه در پی تغییر رژیم و نه به دنبال سرنگونی دولت در ایران است. این سخنان را متیس در حالی بیان کرده که تنش‌های میان دو کشور افزایش یافته است و این سخنان وی تاکتیک مزورانه ای هست که درخدمت صهیونیستها و شیخ نشینان عربستانی و نهایتا به سود خویش می باشد!

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به سخنان چندی پیش رئیس جمهوری ایران که به تهدید تلویحی مبنی بر بستن تنگه هرمز تعبیر شده و واکنش مقامات ارشد آمریکا، تصریح کرد که هیچ یک از دو طرف راهبرد نظامی را در دستور کار ندارند زیرا "جنگ احتمالی بین دو کشور تبدیل به یک جنگ گسترده خواهد شد و کل منطقه و جهان را درگیر خودش خواهد کرد".

وی روز جمعه (۵ مرداد/ ۲۷ ژوئیه) به خبرگزاری ایلنا گفت: «راه دیپلماسی بین دو کشور بسته شده است. بنابراین عملا مقامات دو کشور از طریق سخنرانی‌ها با یکدیگر سخن می‌گویند که در این نوع گفت‌وگوها تنها چیزی که وجود ندارد، ملاحظات دیپلماتیک است».

اما این حرفهای ضد و نقیض ایجاد خیال واهی معامله گری بین دو مافیاهای بزرگ و کوچک در رسیدن به گفت وگوها و توافقاتی هستند که حرف زور زدن نتیجه آخر باشد! کما این که برای سومین بار این روزها ایده تشکیل ائتلافی تحت عنوان "ناتوی عربی!"علیه ایران نخستین بار در عربستان سعودی مطرح شد.

به گفته مقام‌های عرب، دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در پی تشکیل ائتلافی امنیتی و سیاسی با شش کشور عرب حوزه خلیج فارس به همراه مصر و اردن برای مقابله با ایران در منطقه است. امری که نشان دهنده ی راه یابی جدیدی درحاکم نمودن زور دولت آمریکا به ایران می باشد.

خبرگزاری رویترز برای سومین بار به نقل از چهار منبع آگاه می‌نویسد، کاخ سفید به دنبال همکاری عمیق‌تر با این کشورها در زمینه دفاع موشکی، آموزش نظامی، مقابله با تروریسم و مسائلی نظیر تقویت اقتصاد

آمرین و عاملین کشتار زندانیان سیاسی باید به دادگاههای مردمی سپرده شوند

منطقه‌ای و روابط دیپلماتیک است.(۱) رویترز پیش‌بینی کرده، تشکیل این ائتلاف متشکل از هم‌پیمانان سنی که از سوی مقام‌های کاخ سفید و خاورمیانه "ناتو عربی" نامیده شده احتمالا تنش میان ایالات متحده و ایران شیعه‌مذهب را بالا خواهد برد.

دولت آمریکا امید دارد این تلاش که در حال حاضر به نام "مسا" یا "ائتلاف استراتژیک خاور میانه" نامیده شده در نشستی در واشنگتن که برای ۱۲ تا ۱۳ اکتبر با شرکت چندین کشور مقرر شده مورد بحث و تبادل نظر قرار بگیرد. کاخ سفید تأیید کرده که با شرکایش در منطقه "چندین ماه" است که بر سر این طرح شور و مشورت می‌کند.

تنش‌های میان آمریکا و ایران شدت یافته است. به حدی که انحصارات بزرگ اتحادیه اروپا، ژاپون و حتا کشور نومستعمره هندوستان و دولتهای این کشورها به جای مقابله با تحریم گری آمریکائی در وادارکردن دیگر کشورها به قبول و پیروی از این سیاست ارتجاعی تحریم، محدود کردن مناسبات اقتصادی خود را هرچه بیشتر با ایران حتا قبل از روز موعود شروع تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، آغاز کرده اند.

کلیه ی عربده کشیها و بهانه جوئیهای انحصارات بزرگ جهانی، در وجود تضادها و بحران مالی و اقتصادی جهانی، در مسیری مافیائی جریان می یابد تا بتوانند برای جلوگیری ازتشدید بحران، راه حلی از طریق نفوذ مجدد درکشورهای پیرامونی بیابند و به این اعتبار تنها راه تحقق این رویاهای استعماری نوین مافیاگری و توسل به زور را می شناسند و فعلا با توسل به جنگهای نیابتی و بهانه های دروغین "دفاع از حقوق ملل در تعیین سرنوشت خویش"، "دفاع از دموکراسی و حقوق بشر"، خون ریزی و ویران کردن این کشورهای پیرامونی را تا بدانجائی پیش می برند که این کشورها جز تسلیم راهی در پیش نداشته باشند.

امروز تنها راه مقابله با این جنگ افروزی و زورگوئی جهان خواری امپریالیستی و رژیم غارتگر جمهوری اسلامی، در گرو آن است که نیروهای انقلابی همراه با طبقه کارگر و اقشار زحمت کش آمریکا و ایران مبارزه ای مستقل، متشکل و متحد علیه این مافیاگران بزرگ و کوچک سازمان دهند. بدین منظوربه پا خیزند و با فریاد زنده باد صلح، به آزاد کردن کشور شان چه از زیر سلطه ی امپریالیسم و چه سرمایه داران رانت خوار حاکم درایران، راه مبارزه در تحقق سوسیالیسم را، با ازبین بردن نظام استثمار انسان از انسان تحقق بخشند. در غیر این صورت ، در شرایطی که نظام سرمایه داری در کلیه ی مرحله ی تکاملی اش جز استثمار و ستم و تبعیض افسار گسیخته، پیامی از خود نشان نداده و جوامع انسانی را به ازخود بیگانه گی وسیع و سراسری تبدیل نموده اند، رهائی و پیروزی انسانهای مولد و تاریخ ساز مبارز به دست نخواهد آمد.

ک. ابراهیم
۶ مرداد ۱۳۹۷
(۲۸ ژوئیه ۲۰۱۸)

(۱)- نتانیاهوی صهیونیست در ۲ اوت ۲۰۱۸ اعلام کرد که درصورت بستن تنگه باب المندب دریای سرخ توسط ایران وارد جنگ خواهد شد.

در مورد ظهور انحصارهای...
بقیه از صفحه آخر

کشورهای وابسته نو استعماری - حد اقل به مرکز تولید بین المللی- پیوند دهند». و این « در همان سطح کشورهای امپریالیستی. » (ص ۲۱ در اصل با حروف مورب)

اما نمونه های واقعی کدامند؟ آیا جابه جا سازی گسترده و برون سپاری تولید به کشورهای وابسته نو استعماری وضعیت مشابهی را در همان سطح در کشورهای امپریالیستی تکرار می کند؟ بطور دقیق، نتیجه ی بین المللی سازی تولید و اضافه شدن تقسیم کار جهانی (که امروز تخصص انعطاف پذیر نامیده می شود) در کشورهای وابسته نو استعماری توسعه سرمایه داری ملی خود کفا نیست؛ بلکه همانطور که قبلا ذکر شد، بطور فزاینده ای باعث وابستگی بیشتر به سرمایه خارجی، غیر صنعتی شدن، دهقان زدایی (یا نابودی دهقانان) ناشی از شرکتهای عظیم زراعی، تحمیل فوق العاده تقسیم کارجهانی (تحت عنوان به اصطلاح ویژه گی انعطاف پذیری) درکشورهای نومستعمره ی وابسته خود رشد سرمایه داری ملی نیست؛ برعکس، همان طور که اشاره شد، به طور فزاینده ای وابسته گی به سرمایه خارجی، غیر صنعتی شدن، غیر روستائی سازی، از طریق شرکتهای بزرگ کشاورزی، درمعرض خطر جانی قرار گرفتن نیروی کار، بی کاری و بالاتر از همه بحران زیست محیطی غیرقابل مقایسه در بعد وحشتناک منجر شده است.

جا به جائی از" بخش واردات به صنعتی شدن" تحت کینزگرائی بین المللی (۱) و به اصطلاح دهه های توسعه دهی سازمان ملل که در دهه ۱۹۷۰ پایان یافت تا "سمت گیری صادرات صنعت" دوره نئو لیبرالی و تبدیل چند کشور نو استعماری به مثابه پایگاه نیروی کار ارزان "اساسا صادراتی" در کنار بین المللی شدن تولید موجب تحریف و اختلال بسیاری در زمینه اقتصاد داخلی شده است.

بنابراین، برخلاف نظر ام ال پ د، به جای ایجاد « مبنای جدید برای امپریالیسم » در کشورهای وابسته نو استعماری، بین المللی بودن سرمایه مالی انحصاری منجر به نابودی شرایط لازم برای توسعه مستقل و توسعه خودمختاری سرمایه می شود. در واقع، رهاکردن به اصطلاح « توسعه اقتصادی تحت رهبری دولت » به وابستگی شدید به دیکته کردن صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی

توسط کشورهای وابسته نو استعماری پیامد سازماندهی مجدد تولید بین ال مللی ناشی از بین المللی شدن سرمایه شرکت جمعی در دوره نئولیبرالی هستند. بطور طعنه آمیزی، متن تاریخی که درآن ام ال پ د ظهور «کشورهائی جدید امپریالیستی » را تشخیص می دهد، همانندی بودند که این کشورها اعتماد بی سابقه ای را به مراکز امپریالیستی شروع کردند و فرسایش نسبی قدرت سیاسی خود برای گرفتن تصمیمات مستقل سیاست داخلی خود را تجربه می کردند.

بطور کلی در رابطه با تز امپریالیسم جدید، ادراک پرولتاریای صنعتی بین المللی به عنوان یک طبقه بندی هم راستا و همگون است. در واقع، نیروی محرکه در پشت بین المللی شدن/جهانی شدن امروز، یورش دیوانه واری برای سود حاصل از غارت بدون مانع از نیروی کار و منابع طبیعی است – دو منبع تولید با تأکید مارکس در اثر بزرگش، "سرمایه" – از طریق واژگونی همه قوانین کارقبلی و قوانین زیست محیطی در کشورهای وابسته است. در مورد حالت خاص نیروی کار، در قالب سازماندهی مجدد تولید جهانی، آنچه که امروز رخ می دهد، استثمار شدید کارگران در کشورهای وابسته نو استعماری است که رواج بی رحمانه دستمزد پائین کم تر از حد متوسط دستمزدهای رایج جهانی ست باز نمود شده است. در حالیکه سیل سرمایه مالی آزادانه بی سابقه ای درسطحی جهانی ادغام و تمرکز یافته اند، طبقه کارگر در همه جا با محدودیتهای بی سابقه ای با خواستهای خود مواجه است و در معرض فرآیند معکوس تکه تکه شدن و پراکندگی قرار دارد، بطوری که اکثریت آنها از حقوقی که در گذشته به سختی به چنگ آوردند محروم مانده و بطور قانونی از پرولتاریای صنعتی به کارگر غیر رسمی تبدیل شده اند که به سرعت به سمت افزایش بدبخت ترین طبقه استثمار شده و ستم دیده امروز در کره زمین می روند. این طبقه کارگر غیر رسمی و غیر متشکل مرکب از مهاجران، پناهندگان، افراد بی خانمان، آواره و حاشیه نشین که ممکن است بطور جمعی به عنوان ستم دیده ترین طبقه بندی شوند، به مراتب بیشتر از پرولتاریای صنعتی امروز تحت ستم قراردارند. در همه جا دستمزدها بطور سیستماتیک از طریق ابزارهایی چون خرید کالا از منابع خارج از کشور، تخصص قابل تغییر و تعدادی دیگر از اقدامات غیر اقتصادی و سازمانی مطابق با ویژگی های منحصر به فرد (به عنوان مثال، سیستم فرقه ای در هند)، از ساختارهای مختلف اجتماعی یا « مجموعه ای از روابط اجتماعی » هم چنانکه مارکس مشخص کرد، با کاهش روبرو است.

هرچند در نوشته جدید ام ال پ د در نوشته جدید خود، (ص ۱۶) با « تغییرات ساختاری اجتماعی –ا قتصادی » کشورهای « جدید امپریالیستی » روبروست، به طور غیر رسمی به امر رشد سریع جمعیت شهری تأکید می گذارد، اما در مورد سئوالات سیاسی و سازمانی مربوط به اطلاع رسانی شگرف و سرشار طبقه کارگر و طبقه بندی آنها و سایر تقسیم بندی های آنها که امروز اتفاق می افتد، سکوت اختیار می کند. در حالیکه بین المللی شدن سرمایه مالی انحصاری حتی با استفاده از راه های تکنولوژی، اکثریت قریب به اتفاق کارگران را به شدت به چند دسته تقسیم می کند و آنها را به حاشیه اکثریت طبقه کارگر می راند، به جای تکرار مکانیکی بر اتحاد پرولتاریای صنعتی بین المللی، چیزی که امروز نیاز مبرم دارد، در تأکید بر اهمیت استراتژیک شعار « کارگران تمام کشورها و تمام خلقهای ستمدیده متحد شوید » که امروز بطور مناسب شامل عدم تجانس بنیادی کشورها و مردم می شود.

چنین رویکردی در مورد مارکسیست - لنینیست ها در مبارزات ایده ئولوژیک - سیاسی شان علیه تفاوتهای گوناگون پست مدرنیسم، پست مارکسیسم، هویت سیاسی، و غیره بیشتر اهمیت دارد. بنابراین، بجای رویکرد مکانیکی، خطی یا اکونومیستی، چیزی که امروز به آن نیاز است توسعه نظریهء مارکسیستی امپریالیسم و هم چنین استراتژی و تاکتیک های انقلاب جهانی است که از طریق افشاء واقعی پروسه بسیار پیچیده نئولیبرالی از استثمار بیش از حد و استخراج ارزش اضافی تحت پوشش شرکتهای عظیم مالی و دیجیتال سازی در سطح جهانی است.

نقص تحلیلی

بعضی مسائل که نوشته در تجزیه و تحلیل از « امپریالیسم جدید » گنجانده شده است، با واقعیت های تاریخی نیز مطابقت ندارد. به عنوان مثال، ام ال پ د می گوید: « گذار مقدماتی از کشورهای که سابقاً نو استعماری وابسته یا کشورهائی رویزیونیست، رو به انحطاط رفته قبلا سوسیالیستی و تبدیل شده به کشورهای جدید امپریالیستی حدوداً از دهه ۱۹۸۰ شروع شد. برای اکثر آنها، جهش کیفی از حوالی سال ۲۰۰۰ شروع شد. » (ص ۲۴). چنانچه، بر اساس درک کلی در میان مارکسیست – لنینیستها در طول کل دوره بعد از جنگ، فقط دو کشور یعنی اتحاد جماهیر شوروی و چین که تغییر شکل به امپریالیسم از دهه ی ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ به بعد به ترتیب قدرت را به عنوان امپریالیستی توصیف کردند. اتحاد جماهیر شوروی در سال های ۱۹۶۰ به امپریالیست (یا سو سیال - امپریالیست) تبدیل شد. تنها گذار چین به قدرت امپریالیستی در دهه ۱۹۸۰ همراه با " تئوری گربه " آقای دن سیائو پین در جهت انباشت ثروت و ثروتمند شدن شروع شد. به همین ترتیب، تفسیر هر دو به عنوان « امپریالیست جدید » برای قرار دادن آنها در کنار کشورهای دیگر پیچاندن واقعیت است. و آشکار شدن « بحران اقتصادی و مالی جهان در سالهای ۲۰۰۸ – ۲۰۱۴ به عنوان محرک ظهور و رشد سریع کشورهای جدید امپریالیستی » (ص ۲۴) هنوز غامض تر از آن است که ثبات اقتصادی و سیاسی رژیم های نو استعماری که ام ال پ د به عنوان « امپریالیسم جدید » تعریف می کند، در این دوره بیشتر اسیب پذیر شدند. یک مثال مشخص، کودتای سیاسی و تغییر رژیم اخیر در برزیل توسط ایالات متحده، که توسط ام ال پ د به عنوان یک کشور پیشتاز « امپریالیسم جدید » تشخیص داده شده است.

با توجه به محدودیتهای زمان، ما به مناظره در مورد نقش قدرت نظامی در موقعیت امپریالیسم نمی پردازیم. ام ال پ د ذکر می کند که هزینه های کشورهای جدید امپریالیستی بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ به چهار برابر رسیده است. در این بیانیه آمده است: « برای کشمکش بخاطر تقسیم مجدد جهان، کشورهای جدید امپریالیست، گسترش دستگاه های دولتی و نظامی خود را افزایش دادند. در سال ۲۰۱۵ ارتش های آنها به حدود هشت میلیون سرباز رسیده بود؛ سازمان ناتو تنها ۳ میلیون ۳۰۰ هزار سرباز داشت. » (ص ۲۸) راجع به تعداد سربازان، این جا ما می خواهیم توجه رفقای ام ال پ د را به نبرد پلاسی در سال ۱۷۵۷ جلب کنیم که در آن رابرت کلایو، ژنرال ارتش بریتانیا با به سختی ۳۰۰۰ سرباز تحت فرماندهی خود توانست به راحتی ارتش ۵۰۰۰۰ نفره سیرا جودالا در یک نبرد ۱۱ ساعته شکست دهد و پایه و اساس امپراتوری استعمار انگلیس به مدت دو قرن در هند اعمال گردد. در حقیقت، اگر هزینه های نظامی سالیانه ایالات متحده، بزرگترین ماشین های جنگی در طول تاریخ، ۶۱۱ میلیارد دلار باشد، در مقایسه با چین، دومین به ترتیب با ۲۱۵ میلیارد دلار، یعنی حدوداً یک

سوم هزینه های نظامی چین، در حالی که هند با ۵۵ میلیارد دلار (که به هیچ وجه یک مقدار کوچک نیست، زیرا تقریبا ۱۲٪ بودجه هند برای هزینه های نظامی تعیین شده است، در حالی که بودجه آموزشی کمتر از ۳٪ است. ما مقایسه مارکس را با هزینه های نظامی به عنوان « پرتاب بخشی از محصول اجتماعی به آب » تأیید می کنیم) کمتر از یک دهم هزینه های ایالات متحده می باشد. و جمع کل هزینه های نظامی تمام ۱۴ کشور جدید امپریالیستی که توسط ام ال پ د شناسایی شده اند هنوز بسیار کمتر از هزینه های نظامی امپریالیسم آمریکا ست. به طرز کنایه آمیزی، بخش عمده ای از هزینه های نظامی توسط رژیم های کمپرادور در هند، عربستان سعودی و غیره، بطور مرتب برای خرید سلاح های منسوخ ایالات متحده، روسیه و کشورهای عضو اتحادیه اروپا صرف شده است.

با اینحال، نمونه دیگری از نقص در تجزیه و تحلیل ام ال پ د این است که از سه رکن نو استعماری مثل صندوق بین المللی پول - بانک جهانی درهماهنگی (هم چنین با به عنوان دو قلوی برتون وودز است که در آن ایالات متحده هنوز دارای حق و تو است) و سازمان تجارت جهانی (رکن سوم نو استعماری، اضافه شده در کنار ان با دوره نئو لیبرال سابق) همراه با سازمان جهانی آزاد، که یک سازمان رفرمیستی وابسته به سازمان ملل متحد. (ص ۱۸) باکاهش دادن نقش غالب صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی در سیاست گذاریهای اقتصادی در کشورهای نو استعماری وابسته همیشه عملی معمولی در میان توجیه گران دانشگاهی بوده است. یک تجزیه و تحلیل از امپریالیسم در مرحله ی نواستعماری یک جانبه خواهد بود چنانچه نقش استراتژیک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی از جمله اهرم های منطقه ای آنها مانند بانک توسعه آسیا، بانک توسعه آفریقا، بانک توسعه بین المللی آمریکایی (اگر چه جالب توجه است، اما هرچند به عنوان یک نهاد توسعه برای آمریکای لاتین پیش بینی شده، می بینیم بانک انکشافی میان آمریکا در کشورهای « جدید امپریالیستی » برزیل، مکزیک و آرژانتین قرار ندارد بلکه در واشنگتن برای کنترل مستقیم ایالات متحده قرار دارد) که مستقیما توسط ایالات متحده و دیگر امپریالیستها تحت کنترل و هدایت می شوند که متولی نخبگان ارزی جهان مثل دلار، یورو، پوند و ین هستند.

علاوه براین، اخیرا به این سبد ارز های بین المللی که توسط صندوق بین المللی پول تصویب شده، رنمینبی چینی ست. به عنوان دومین قدرت امپریالیستی، همراه با افتتاح پایگاه های نظامی در آفریقا (مثلا جیبوتی) و در نقاط دوردست آمریکای لاتین (مثل آرژانتین) با رقابت از طرح مارشال متعاقب جنگ ایالات متحده، چین ابتکار راه اندازی کمربند راه ابریشمی (۲) که بزرگترین برنامه صادرات سرمایه را برای با اهرم بلند کردن سرمایه گذاریهای خارج برای سرمایه مازاد خود در تمام قاره ها راه اندازی کرده است. بانک زیربنائی سرمایه گذاری آسیا (۳) با رنمینبی به عنوان وسیله مبادله اش نیز به مثابه یک وزنه مقابله ای نهادی و مالی برتون وودز و اهرم اقتصادی منطقه ای آنها، بانک توسعه آسیا که اکنون بطور قاطعانه ای توسط ایالات متحده و ژاپن کنترل می شود در نظر گرفته شده است.

علاوه بر رهبری گروه هایی مانند سازمان همکاری های شانگهای (اس سی ئو) و بریکس، چین امپریالیست به طور تهاجمی تلاش می کنند تا نقشه ژئوپولیتیک بعد از جنگ سرد را دنبال کنند. با این حال، وسواس اخیر ام ال پ د با « امپریالیسم جدید » منجر به برتر شمردن اهمیت استراتژیک صعود چین به عنوان دومین قدرت امپریالیستی و برآیند ابعاد جدید آن در تضاد های مابین امپریالیستی امروز شده است.

نتیجه گیری

اگر چه این نوشته دارای اشتباهات حقیقی و جدی است مانند « انتخاب سونیا گاندی به عنوان نخست وزیر » (ص ۴۳) هند، در این جا این در مد نظر نیست به خاطرمورد توجه قرار ندادن این جزئیات را مطرح کنیم. درست است که امپریالیسم به عنوان یک پدیده اجتماعی هرگز نمی تواند ایستا باشد و امپریالیسم (سرمایه داری انحصار) در فاز استعمار نو – نئولیبرالی اش پیچیده تر و قابل تغییر است. بهر حال، نکته حساس و حیاتی این است که خصلت سیاسی دولت و توانائی رهبری طبقات است که منجر به تحقق توسعه سرمایه داری مستقل و خود مختار می شود. عاری از این نظر اندازه جغرافیائی، قدرت اقتصادی یا توان نظامی یک کشور به طور منفردی درنظر گرفته شود، شرایط کافی برای مشخصات آن به عنوان امپریالیسم نیست. در دوران کنونی که سرمایه داری تا کنون به امپریالیسم گذار کرده است، یک کشور سرمایه داری کامل به پویایی با دینامیک داخلی و خارجی همراه است و روابط طبقاتی آن نمی تواند با امپریالیسم متفاوت باشد. در این مورد هیچ مجادله ای نمی تواند وجود داشته باشد. درعین حال، ام ال پ د به درستی مطرح می کند، این می تواند دگماتیکی باشد که امکان ظهور قدرتهای جدید امپریالیستی را غیر محتمل بشماریم. اما به نظر ما، این گزینه تبدیل به امپریالیسم توسط یک کشور امروز بستگی به پایان دادن به محدودیتهای طبقاتی دولت دارد که به توسعه مستقل آن اعمال می شود. گذار روسیه و چین به امپریالیسم متعاقب احیای سرمایه داری در آنها مطابق با این موقعیت است. در این دیدگاه، به جز چین و روسیه، هیچ کدام از ۱۴ کشور که توسط ام ال پ د شناسائی شده اند مطابق با این معیار نیستند، بنابراین امروز نمی توانند به عنوان امپریالیسم طبقه بندی شوند.

1 - International Keynesianism
2 – One Belt One Road Initiative (OBOR)
3 – The Asian Infrastructure Investment Bank

اقتصاد جهانی و جنگ اقتصادی
بقیه از صفحه آخر

توسعه و رشد و بازار یابی در سرتاسر جهان است . میانگین آمارهای مختلف نشان می دهد که اتحادیه اروپا بویژه آلمان هم دارای رشد صادراتی بالایی است بقیه کشورها با فاصله زیاد آنها را دنبال می کنند. در بقیه عرصه های دیگر مانند اسلحه هم تقریبا وضع به همینگونه است در آمار مربوط به اسلحه و نفت روسیه جایگاه ویژه ای داردو بعد از آمریکا بزرگترین فروشنده اسلحه در جهان است .در رابطه با مسائل دیگر اقتصادی مانند صادرات روسیه بعداز تحریم های اقتصادی غرب مجددا به یک کشور صادراتی و با رشد اقتصادی تبدیل شده است.بطور مثال روسیه با نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار صادرات غله بزرگترین کشور صادر کننده در این زمینه است .بیشترین عرصه صادرات متعلق است به قدرت های معظم جهان از جمله آمریکا ، اتحادیه اروپا و چین. رقابت تنگاتنگی که این سه کشور و بلوک دارند و دقیقا همین اتحادیه اروپا و چین هستند که مورد حملات اقتصادی آمریکا واقع شده اند.روندهای اقتصادی که آورده شد از سال های ۱۹۸۰ شکل

گرفت که فروپاشی شوروی در این روند وقفه ای بوجود آورد آما طولی نکشید که روند رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و چین بویژه بعد از ۱۹۹۵ بطور جهش وار به رشدش ادامه داد.

بوجود آمدن پول یورو نه تنها اوضاع را به تعادل و ثبات نرساند بلکه به جدایی اقتصادی کشورهای حوزه یورو با دلار با روند پر شتابی دامن زد.یورو نه تنها قوانین برتون وودز را کان لم یکون اعلام کرد بلکه باعث شد که سبد ارزی تقریبا اکثر کشورهای جهان و حتی بانک های درجه دوم از یک ارز انحصاری به نام دلار آمریکا خارج شده و پول های دیگری را به نام یورو ،یوان ، ین با درصدهای مختلفی جای دلار آمریکا را بگیرند. دلار پولی بعد از آزاد شدن از پشتوانه طلا و سیالیت ارزشی آن، ارزش پایه ای خود را با معیارهای دیگری مانند رشد تولید و ثروت عمومی و منابع طبیعی و قدرت اقتصادی عوض کرده بود به پولی تبدیل شد که به آمریکا اجازه چاپ بدون پشتوانه آنرا برای غارت و کنترل اقتصادی کشورهای دیگر دنیا می داد. از دست رفتن قدرت انحصاری دلار در واقع از دست رفتن قدرت انحصاری آمریکا به مثابه سرکرده امپریالیست های غرب بود. البته در این میان برخی از کشورها برای تسلط بر اقتصاد خود به معاملات پایا پای و یا معاملات بانکی با ارزهای کشوری خود دست زده اند. که البته هنوز وزنه اقتصادی چندانی در عرصه بین المللی ندارد ولی با تشدید رقابت های اقتصادی در سطح جهانی این امکان هر روز بیشتر و بیشتر می شود. روشن است هنوز آمریکا بر بسیاری از ارگان های بین المللی سرمایه مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان ملل نقش تصمیم گیرنده با حقوق برتر را ایفا می کند که این هم در حال کمرنگ شدن است. بطور مثال در حال حاضر دلار ارز مرجع برای معاملات نفتی در سطح جهانی و ارتباطات بانکی است.هنوز بانک های آمریکا قادر به کنترل و فشار به اکثر بانک های جهان برای ایجاد تحریم های بانکی و غیره هستند.اما هر روز که می گذرد این قدرت بعلت حضور رقبا ،کاهش بازارهای انحصاری و روی آوردن اکثر اقتصادهای جهان به صادرات در جهت باروری تولید داخلی ، کمتر می شود.در عین حال آمریکا با تولید نفت شیل توانسته است کمی از وابستگی به نفت خارج از آمریکا بکاهد که این مسئله در بازسازی اقتصاد آمریکای بعد از جرج بوش پسر تاثیر به سزائی داشته است. رقابت افسار گسیخته کنونی که در بین بلوک های امپریالیستی در حال تشدید است. باعث شده است از یک طرف قدرت انحصاری سیاسی برخی از بلوک های فوق بر سر کشورهای تحت سلطه کم رنگ شده و یا ازبین رفته و از طرف دیگر به ویرانی و ضعف هر چه بیشتر کشورهای جهان سوم انجامیده است. این دو روند که ظاهرا متضاد یکدیگرند صرفا ناشی از ویژگی شرایط گلوبالیزاسیون کنونی نظام سرمایه داری امپریالیستی. پی آمدهای یک چنین تضادهایی از یک طرف می تواند به طبقه کارگر این امکان را بدهد که بهتر در جنبش های توده ای حرکت کند ولی از طرف دیگر نهادهای سرکوب دولتی برای درهم کوبیدن تشکلات کارگری دست بازتری دارند.سطح آنرا وضعیت طبقاتی هر جامعه و قدرت طبقه کارگر آن تعیین می کند.تحرکات دوران گلوبال برای بورژوازی دوران رشد ، درهم شکستن تشکلات کارگری – کمونیستی و بازپس گرفتن دست آوردهای اجتماعی از کارگران و زحمتکشان جوامع بود.اما این دوران ناشی از صف بندی های جدید امپریالیستی در حال سپری شدن است. حداقل این رقابت های اقتصادی در سی سال گذشته به خانه خرابی میلیون ها انسان ، اسارت بیش از پیش کارگران کشورهای متروپل به سرمایه از طریق پنجه های سرطانی قرض های بانکی در گلوی آنان ، ویرانی بسیاری از کشورهای جهان سوم و اقتصادهایشان ، ویرانی سیستم های محیط زیستی، جنگ های داخلی و بین کشوری ، در مناطق مختلف و..... انجامیده است. جنگ جدید کنونی نه تنها به این انحصارات میدان عمل بیشتری می دهد بلکه روند ویرانی و جنگ های نیابتی را تشدید و فقر را هر چه بیشتر گسترش خواهد داد. آمار ها نشان می دهد که تشدید رقابت ها و جنگ های اقتصادی کنترل بسیاری از منابع اقتصادی و طبیعی را انحصاری تر کرده است بطور مثال رشد صدور سرمایه از طریق کشورهای امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه در طی ۳۰ سال گذشته به ۷۰ در صد رسیده است که نشان از وابستگی هر چه بیشتر این کشورها به امکانات و تکنولوژی کشورهای پیشرفته سرمایه داری دارد.از طرف دیگر صدور سرمایه فقط یک مسیر را نداشته بلکه کشورهای بزرگ امپریالیستی هم در کشورهای رقیب دست به سرمایه گذاری های عظیم برای نفوذ در اقتصادهای یکدیگر زده اند.

بطور واقعی می توان گفت که سرمایه ملی و یا مستقل در هیچ کجای جهان یا وجود ندارد و اگر هم بطور ضعیفی در نقاطی وجود دارد قادر به هیچ تحرک اقتصادی در جوامع نیست. برای طبقه کارگر مفهوم سیاسی آن دو قطبی شدن تقریبا اکثر کشورهای جهان است. نیروهای بورژوایی چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی یا ویران شده اند و بطور کامل مضمحل شده اند و یا راه زدو بند با سرمایه های بزرگ جهانی را در پیش گرفته اند.و به عامل آگاه و یا ناآگاه و سرسپرده تبدیل شده اند. ما در کشور خودمان ایران هم این نیروهای سیاسی در درون و بیرون حکومت را خوب می شناسیم .

رقابت ها و جنگ های بلوک های رقیب جهانی از یک طرف توانسته است شرایط را برای برخی ایستادگی های سیاسی توسط دولت های تحت سلطه علیه حاکمین جهانی باز کند از طرف دیگر آنها را هر چه بیشتر به طرف تسلیم بدون چون و چرای اقتصادی به سرمایه داری امپریالیستی رانده است.

بر طبق آمار بانک جهانی از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۵ تلاش برای صادرات یک سیاست عمومی در تمامی اقتصادهای جهان بوده است. برخی کشورها منابع طبیعی و کالاهای پایه ای مانند نفت و فلزات را صادر کرده اند و برخی دیگر با تحمیل اعتبارات سنگین کالاهای صنعتی ، نظامی و کارخانه ای را فروخته اند.براساس همان جدول بانک جهانی معمولا وزنه معاملات با معیار دلار به ضرر کشورهای تحت سلطه و یا جهان سومی بوده است .این آمار هنوز از جنگ های و تاثیرات مخرب آن برای جوامع و سود های میلیاردی برای کمپانی های بزرگ جهانی هیچ داده ای بدست نمی دهد.(رجوع شود به https://data.worldbank.org/indicator/NE.EXP.GNFS.ZS) و یا بر طبق آمار سایت نیشن ماستر صادرات پنج کشور اول جهان در۲۰۱۲ عبارتند از چین ، آمریکا ، آلمان ، ژاپن ،فرانسه هستند که اساس رقابت های جهانی هم توسط آنها بعلاوه روسیه به پیش برده می شود. این رقابت با هدف درهم شکستن و عقب راندن رقیب از بازارهای جهانی و در واقع تقسیم مجدد جهانی کنونی بر اساس توان ها و ظرفیت هایشان انجام می شود که صرفا در سطح یک جنگ اقتصادی نمانده و توطئه ، جنگ ، ویرانی ، جاسوسی ،کودتا و.....به عنوان ابزارهای جدید پیش برد این اهداف مورد استفاده گسترده قرار می گیرد. مسئله دیگر در رقابت بین گروههای معظم امپریالیستی در عرصه تولید ، سرمایه

در گردش مجبور به تغییر مسیر به طرف سرمایه ثابت جهت تحقیقات و توسعه امر تولید ،برای رشد تکنیکی و کمی است . عقب ماندگی در عرصه تکنولوژی یعنی شکست و بلعیده شدن توسط کمپانهای رقیب. این تغییر مسیر که عمدتا از طرف بودجه های دولتی حمایت می شود. از جیب تولیدکنندگان پرداخت می شود.نتیجه این پروسه کم کردن خدمات اجتماعی ، کاهش دستمزد و گرانتر شدن دائمی کالاها است. به این روند بازی های مالی ، سیاسی ، بازارهای بورس ، را هم اضافه کنید آنگاه به وضعیت کنونی کشورهای آفریقا و خاورمیانه و .... می رسید.در واقع سرمایه گذاری در بخش تحقیقات تکنولوژیکی باعث عقب افتادن دیگر اقتصادهای کوچکتر و در نتیجه متوقف شدن تولید در کشورهای عمدتا تحت سلطه و وابسته شده است و واردات و کارهای خدماتی محور درآمد زایی در این کشورهاست .توقف تولید باعث بیکاری گسترده اجتماعی و راندن عظیم طبقه کارگر به نیروی ذخیره بیکار شده است . اگر کشورهای نفت خیز را که با پول نفت با واردات حداقل مسائل معیشتی مردم را به سختی تامین می کنند بگذریم بقیه کشورها تحت سلطه با پول های قرضی از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و...و حراج منابع مالی ،انسانی ، طبیعی امرار معاش می کنند.بطور مثال ایران که یکی از کشورهای نفتی است دارای بیکاری بالای ۱۲درصد است .ما برای نمونه از سایت تابناک آماری می آوریم تا باهمه نادقتیها با نمای کلی از وضعیت بیکاری آشنا شویم

«نرخ بیکاری در ایران با ۱۲.۱ درصد در بین کشورهای آسیایی رکورددار است و بیش از کشورهای ترکیه، اندونزی، روسیه، چین و امارات متحده عربی قرار گرفته است.

به گزارش فارس به نقل از اسپکتاتور ایندکس، نرخ بیکاری در بین مردم ایران به ۱۲.۱ درصد رسیده که در بین کشورهای آسیایی تقریباً رکورددار است. در بین کشورهای آسیایی ترکیه ۹.۶ درصد، اندونزی ۵.۱ درصد، چین ۳.۸ درصد و امارات متحده عربی ۱.۷ درصد نرخ بیکاری دارند که همه این کشورها بیکاران کمتری نسبت به ایران دارند.

تنها در کشورهای آفریقای جنوبی با ۲۷ درصد، یونان ۱۹.۵ درصد، نیجریه ۱۸.۸ درصد، اسپانیا ۱۵.۳ درصد، برزیل ۱۲.۴ درصد ،درصد بیکاری نسبت به ایران بیشتر است».

جنگ اقتصادی کنونی بین گروههای معظم سرمایه داری نهایتا پی آمدهایش به فشار، بیکاری ،کاهش دستمزدها، تعطیلی واحدهای تولیدی ،کاهش نیروی کار طبقه کارگر انجامیده است.روشن است که جنگ اقتصادی کنونی در رشد خودش به جنگ های نظامی نیابتی و غیر مستقیم و ادامه ویرانی بخش های مختلف جامعه بشری و طبقه کارگر فرا خواهد روئید. برای جلوگیری از روند انهدام و نابودی محیط زیست و زندگی شرافتمند انسانی فقط نیروی طبقه کارگر متحد در سطح جهانی یارای مقابله با این روند را دارد.روند کنونی جنگ و رقابت همراه با مذاکره و سازش و اشغال گری روند های عادی در این رقابت افسار گسیخته امپریالیستی است که نباید باعث ایجاد توهم شود. آنهائی که چشم به امپریالیست ها برای فرار از وضع موجود دارند باید این مثل را بخاطر بیاورند که گوشت را دست گربه ندهند.

ع.غ

به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbar-online

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library

مافیاگری ماهیت سرمایه داری است!

اگر در بررسی پدیده مافیاگری نظام سرمایه داری، به تضادهای مختلف موجود بین دو یا چند کشورنگاه کنیم، هدف آنها تنها درخدمت غلبه به رقیب بزرگ و کوچکی است در پیش بردن این رقابت با توسل به هر روش ضد اخلاقی زورگویانه و ضدبشری، ضد مناسبات دیپلوماتیک مقرر بورژوائی که به امری عادی تبدیل شده است.

ازجمله دونالد ترامپ رئیس جمهور تاجر مسلک حریص امپریالیسم آمریکا بارزترین نمونه ی مافیاگری است، در چانه زنی، انتخاب سلاح زنگ زده ی تحریم اقتصادی که حتا به طور روشنی در اجرای سیاست نئولیبرال جهانی در سه دهه ی اخیر خود امپریالیسم آمریکا ، دست زده و در ضدیت با منافع توده های مردم ایران و نه صرفا در به زانودر آوردن رژیم جمهوری اسلامی ایران برخاسته است. ترامپ بامداد روز دوشنبه (۲۳ ژوئیه/ اول مرداد) به وقت ایران در توییترخود در «خطاب به رئیس جمهور ایران نوشت: دیگر هرگز، هرگز آمریکا را تهدید نکن، زیرا در غیر این صورت با پیامدهایی روبه رو خواهی شد که کمتر کسی در تاریخ دیده است. ما دیگر آن کشوری نیستیم که حرف‌های جنون‌آمیز شما درباره خشونت و مرگ را تحمل کند. مواظب باشید!» و حتا تا بدانجا رفته که اعلام نمود: دوشنبه (۳۰ ژوئیه) در کاخ سفید اعلام کرد که آماده است، "بدون هیچ پیش‌شرطی" با مقام‌های ایران گفتگو کند. وی سیاست طرف مقابل را طبق" به مرگ بگیر تا به تب تن دردهد" در پیش گرفته است! این حرفهای ضد ونقیض، در مقابل اعتراض

بقیه در صفحه ۱۱

در مورد ظهور انحصار های کشورهای استعمار نوین (قسمت سوم - پایانی)

البته، ام ال پ د تز « کشورهای جدید امپریالیستی » خود را به عنوان هسته استراتژیک و تاکتیک های انقلاب جهانی پیشنهاد کرده است. تا آنجا که مربوط به کمونیستها می شود، استراتژی و تاکتیک های انقلاب جهانی امروز هم چنان بر مبنای مفهوم یا ادراک لنینیستی جهان به ملل ستمگروستم دیده و شناخت تضادعمده جهان در میان خلقها وکشورهای ستمدیده از یک طرف با امپریالیسم ازطرف دیگرقرار دارد. مهم ترین ارتباط سیاسی امروز از درک شعار استراتژیک « کارگران تمام کشورها و تمام ملل ستمدیده متحد شوید » نیز از این درک ناشی می شود. اینکه انقلابات دمکراتیک خلقها در کشورهای وابسته نو استعماری و کشورهای ستم دیده بخشی جدائی ناپذیر از انقلاب سوسیالیستی بین المللی هستند در انطباق با این گرایش لنینیستی در مسیر انترناسیونالیسم پرولتری. یک فرضیه مکررا تکرار شده از جانب ام ال پ د، بین المللی کردن سریع روش تولید سرمایه داری است که « مرحله جدیدی را در توسعه سیستم جهانی امپریالیسم » نشان می دهد. (ص ۱۱) هم چنین در مورد ظهور یک پرولتاریای صنعتی بین المللی به عنوان بخش جدا ناپذیر از بین المللی شدن تولید صحبت می کند. طبق گفته استفان، فوق انباشت طولانی مدت سرمایه، انحصارات بین المللی را مجبور کرد « که فعالیت سرمایه گذاری خود را به طرف یک سازمان دهی مجدد تولید بین المللی تغییر دهد. » و امپریالیستها « خود را اجبارا در جا به جا کردن امکانات تولید شان را نیز به

بقیه در صفحه ۱۲

اقتصاد جهانی و جنگ اقتصادی

بالاخره جنگ اقتصادی بعد از به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا علیه قدرت های رقیب چین ، اتحادیه اروپا فرا رسید.آمریکا با تعیین تعرفه های ۱۰ و ۲۵ در صدی برای آهن و آلومینیم وارداتی شیپورهای جنگ را به صدا در آورد. و در مقابل چین با تعرفه های سنگین به مواد غذایی و تکنولوژی وارداتی از آمریکا و اتحادیه اروپا با بستن مالیات های سنگین به اقلام وارداتی گوناگون از آمریکا جنگی را که آمریکا شروع کرد با حملات اقتصادی تلاقی جویانه پاسخ دادند .

این جنگ اقتصادی افسار گسیخته که بر تمامی عرصه های اجتماعی در سطح جهانی تاثیرات خود را خواهد گذاشت از مدتها پیش شروع شده بود که با بحران های اقتصادی ۲۰۰۸ تشدید شده و اختلاف نه در عرصه اقتصادی بلکه در سطح سیاسی نظامی رو به گسترش است. بر طبق آمار کویل و به نقل از سایت آمار ایران صادرات چین ۲,۳۴۲,۳۳ و صادرات آمریکا ۱,۶۲۰,۵۳میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ بوده است با محاسبه رشد ۶,۸ ٪ بطور متوسط چین از ۲۰۱۴ تا بحال با مقایسه با رشد بطور متوسط آمریکا ۲,۴ ٪ می توان دریافت که این فاصله باز هم بیشتر شده است و چین بطور فزاینده ای از تمامی کشورهای جهان با شتاب در حال

بقیه در صفحه ۱۴

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پُست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org

آدرس پُستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A